



پنجین مرکز فاس و فک

نوا

وزیر امور خارجه و امور دوا

نشریه دانشگاه اراک

(گاتنامه علمی، فرهنگ)

سال هفتم/ شماره ۱۹/ آبان ماه ۱۴۰۰



تاریخ دانشگاه اراک

گفتگو با دانش آموختگان دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- (۳) سخن سردبیر
- (۴) پیام رئیس دانشگاه
- (۵) تاسیس دانشگاه اراک (سال ۵۰ تا ۵۷)
- (۹) مصاحبه با دکتر عبدالعلی ذوالانواری
- (۱۵) مصاحبه با دکتر یزدان هوشور معمار دانشگاه
- (۱۹) مصاحبه با دکتر حسین صادقی معاون پشتیبانی دانشگاه
- (۲۳) مصاحبه با دکتر مهزی اخوان ملایری دانش آموخته دانشگاه اراک
- (۲۹) مصاحبه با دکتر یداله اردوخانی دانش آموخته دانشگاه اراک
- (۳۳) مصاحبه با مهندس ابراهیم خوش گفتار دانش آموخته دانشگاه اراک
- (۳۵) مصاحبه با مهندس فرهنگ صورتگر مدیر عمرانی دانشگاه اراک
- (۳۹) مصاحبه با دکتر علی حسینی دانش آموخته دانشگاه اراک
- (۴۳) مصاحبه با آقای علی متقیان دانش آموخته دانشگاه اراک
- (۴۶) مصاحبه با مهندس روزبه معین دانش آموخته دانشگاه اراک

نشریه علمی، فرهنگی دانشگاه اراک

مدیر مسئول و سردبیر: پیمان محمدی

ویراستار: مجید دوست محمدی

گرافیک و طراحی: پیمان محمدی

هیات تحریریه: پیمان نمایان، مجتبی سمیعی،

مریم غلامی، زهرا امانی، فرانک شمشیری

برای همکاری با نشریه ندا از طریق @journalaraku با ما در تماس باشید



• نشریه ندا در انتخاب، ویرایش و تلخیص متون ارسالی، آزاد است

• این نشریه در قالب پی دی اف از طریق مراجعه به سایت دانشگاه قابل مشاهده است و غیر از این قالب سندیت ندارد

• نشریه دانشگاه اراک آماده دریافت و انتشار مقالات و دیدگاه‌های همکاران و صاحب نظران در حوزه‌های مختلف می باشد





[مختن سردبیر]

مرجان میری



و ادبیات فارسی با پذیرش ۴۸۰ دانشجوی با نام «مدرسه عالی مرجان» در محلی استیجاری (ساختمان پروفیسور حسابی) آغاز شد.

این مؤسسه در اواخر سال ۱۳۵۱ با نام «مدرسه عالی علوم اراک» وابسته به دانشسرای عالی (قدیمی ترین دانشگاه کشور که در سال ۱۲۹۸ تأسیس شد؛ این مرکز بعدها به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد و اکنون با نام دانشگاه خوارزمی شناخته می شود) و با مدیریت دولتی و با افزودن رشته ریاضی به فعالیت خود ادامه داد. از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۵ ریاست دانشگاه برعهده دکتر عبدالکریم قریب بود و پس از آن از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی یعنی بهمن ماه ۱۳۵۷ مدیریت دانشگاه برعهده دکتر نوجوان قرار گرفت.

از بهمن ماه ۱۳۵۷ تا مرداد ماه ۱۳۵۹ ریاست دانشگاه برعهده دکتر قاسمی هنری قرار گرفت. سال ۱۳۵۹ زمانی که دانشگاه به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل شده بود دکتر فروزان فر به عنوان رئیس دانشگاه معرفی شد. ریاست دکتر فروزان فر نیز طولی نپایید و مهندس محمدرضا ناظمی از اعضای هیات علمی گروه فیزیک دانشگاه این مسئولیت را پذیرفت و تا سال ۱۳۶۶ که دکتر طاهری زاده از سوی وزارت علوم به عنوان رئیس دانشگاه عالی علوم معرفی شد. در آذرماه سال ۱۳۶۸ این مؤسسه استقلال خود را به دست آورد و با عنوان «دانشگاه تربیت معلم اراک» فعالیت خود را پی گرفت. سپس در سال ۱۳۷۵ با تصویب طرح جامع (دانشگاه تربیت معلم) به (دانشگاه اراک) تغییر نام یافت. هم اکنون دانشگاه اراک با همت مسئولین و روسای خود، شامل هشت دانشکده علوم پایه، علوم انسانی، ادبیات و زبانهای خارجه، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر، فنی و مهندسی، اداری و علوم اقتصادی، علوم ورزشی می باشد.

افتخارات عظیم و باشکوه تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین، بیانگر وجود مراکز دانش، معارف، مطالعه و تحقیق در انواع علوم بوده است. مراکز برجسته علمی همچون مدرسه نصیبین و دانشگاه جندی شاپور در ایالت خوزستان که در سال پانصد و سی میلادی به فرمان خسرو انوشیروان تأسیس یافت و تا زمان عباسیان دوام داشت، دلیلی براین مدعاست. همچنین دانشمندان دوره اسلامی همچون: ابن سینا، زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و در ارتقای تفکر و تعالی مدارج سیر و سلوک جامعه بشری در سطح جهان شناخته شده هستند. از دوران صفویه انتقال اصول علوم و معارف جدید از اروپا آغاز شد، تا اینکه اولین مدرسه جدید در سال ۱۲۱۲ در ارومیه آغاز به کار کرد.

اندیشه ایجاد مرکزی برای آموزش عالی در ایران و به تعبیر دیگر دانشگاه، نخستین بار با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ ه. ش. با رشته های مهندسی، داروسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن شناسی به همت میرزا تقی خان امیرکبیر عملی گردید. دارالفنون گرچه توسعه نیافت اما تجربه مغتنمی پیش روی کسانی که در آرزوی آشنایی ایرانیان با دانش های جدید و پیشرفت های اروپائیان در صنعت، اقتصاد، سیاست و بوده اند، قرار داد. با عطف به این تجربه در سال ۱۳۰۷ ه. ش دکتر محمود حسابی پیشنهاد راه اندازی مرکزی جامع همه یا اغلب دانش ها را با وزیر وقت فرهنگ، دکتر علی اصغر حکمت، در میان نهاد.

در سال ۱۳۵۰ تعدادی از استادان دانشگاه تهران و دانش سرای عالی سابق (دانشگاه خوارزمی)، از جمله دکتر عبدالکریم قریب، دکتر گل و گلاب و دکتر شهریار مقدمات تأسیس یک مؤسسه آموزش عالی خصوصی در اراک، را به وجود آوردند. مهرماه همان سال، یعنی درست نیم قرن پیش فعالیت این واحد آموزشی در چهار رشته فیزیک، شیمی، زیست شناسی و زبان



سید حمیدی

رئیس دانشگاه

اکنون که دانشگاه اراک، پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرد، حاصل تلاش انسان‌های زیادی بوده است که مجدانه در این راه قدم برداشته‌اند. این سایتی که الان در حال تکمیل شدن است، حاصل تلاش‌های فراوانی است که بر دوش مدیران قبلی دانشگاه تا امروز بوده است. پایه اصلی سایت پردیس سردشت توسط آقای دکتر عبدالکریم قریب از قبل انقلاب به جهت توسعه دانشگاه اراک در نظر گرفته بود. مراحل اولیه اخذ مجوزهای لازم از زمان دکتر نادری شروع شد و تا زمان دکتر اصلانی به نتیجه رسید. و از آن پس تاکنون برای تکمیل این سایت زحمات زیادی کشیده شده است و نتیجه آن قابل مشاهده است. نیم قرن از قدمت دانشگاه می‌گذرد و انتظار می‌رود که دانشگاه جایگاهی

رفیع‌تر و خیلی ملموس‌تری داشته باشد. در این دوران علاوه بر آموزش که از ماموریت‌های اصلی دانشگاه است پژوهش نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در دهه‌های گذشته به خصوص دو دهه گذشته روی فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور بسیار تأکید شده است. سیاست‌های کلان نظام نیز بر این موضوع تأکید می‌کند، دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر این امر تأکید دارند که دانشگاه‌ها علاوه بر اجرای امر آموزش، در امر پژوهش هم موفق عمل کنند. پیش از این ماموریت دانشگاه اجرای آموزش به دانشجویان بود، هم اکنون آموزش و پژوهش به موازات یکدیگر و شانه به شانه پیش می‌روند. امیدواریم به زودی با تلاش همه افراد فرهیخته، دانشگاه اراک در میان دانشگاه‌های برتر کشور قرار گیرد.



تأسیس دانشگاه اراک (سال ۵۰ تا ۵۷)

تأسیس دانشگاه اراک (سال ۵۰ تا ۵۷)

می پرداختند. کسانی هم که خود دارای فضل و دانش بودند، فرزندان خویش را آموزش می دادند. وقتی عبدالکریم به شش سالگی رسید، پدر آموزش و تعلیم کودکش را برعهده گرفت؛ چرا که تحصیلات پدر وی در حدود مستوفی گری (حسابداری) بود و با زبان ریاضیات آن زمان هم آشنا بود، بر علوم قدیم و ادبیات فارسی تسلط داشت شعر می سرود و خط زیبایی نیز داشت.

استاد قریب در سال ۱۳۰۴ در حالی که دوازده ساله بود پدرش را از دست داد و به همراه مادرش که اهل تهران بود، مجدداً از گرگان به تهران عزیمت کرد.

در سال ۱۳۰۷ برای ادامه تحصیل در دبیرستان علمیه ثبت نام کرد. در ۱۷ سالگی پس از اتمام ابتدایی در مدرسه صفوی به دبیرستان علمیه که در آن زمان نزدیک دانشسرای قدیم (سه راه ژاله سابق، میدان شهدای فعلی) بود وارد شد و پس از آن به مدرسه ای در پشت مسجد سپهسالار (مسجد شهید مطهری، این مسجد در ضلع جنوب شرقی میدان بهارستان قرار دارد) رفت و تا اخذ دیپلم همان جا ماند. استاد قریب در سال ۱۳۱۴ با اخذ دیپلم از دبیرستان علمیه تهران فارغ التحصیل شد. در آن سال کلیه دانش آموزان سال ششم دبیرستان را در دارالفنون جمع کردند و امتحان گرفتند و ایشان نیز در آنجا امتحان داد و دیپلم گرفت.

در سالی که استاد دیپلم گرفت، تعداد فارغ التحصیل های دیپلم آن قدر اندک بود که به ایشان گفته شد در هر دانشکده ای که دوست دارند می توانند ادامه تحصیل دهند. ایشان وارد دانشکده علوم شد و در رشته ریاضی ثبت نام کرد. شش ماه در رشته ریاضی ادامه تحصیل داد ولی بعد نظرش تغییر کرد و در

مقدمات تأسیس یک مؤسسه آموزش عالی خصوصی در اراک، سال ۱۳۵۰ توسط تعدادی از استادان دانشگاه تهران و دانش سرای عالی سابق (دانشگاه خوارزمی)، ایجاد شد. همراه همان سال، فعالیت این واحد آموزشی در چهار رشته فیزیک، شیمی، زیست شناسی و زبان و ادبیات فارسی با پذیرش ۴۸۰ دانشجو با نام «مدرسه عالی مرجان» در محلی استیجاری (ساختمان پروفیسور حسابی) آغاز شد.

این مؤسسه در اواخر سال ۱۳۵۱ با نام «مدرسه عالی علوم اراک» وابسته به دانشسرای عالی (قدیمی ترین دانشگاه کشور که در سال ۱۲۹۸ تأسیس شد؛ این مرکز بعدها به دانشگاه تربیت معلم تغییر نام داد و اکنون با نام دانشگاه خوارزمی شناخته می شود) و با مدیریت دولتی و با افزودن رشته ریاضی به فعالیت خود ادامه داد. از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۵ ریاست دانشگاه برعهده دکتر عبدالکریم قریب بود و پس از آن از سال ۱۳۵۵ تا پیروزی انقلاب اسلامی یعنی بهمن ماه ۱۳۵۷ مدیریت دانشگاه بر عهده دکتر نوجوان قرار گرفت.

عبدالکریم قریب گرگانی، در سال ۱۲۹۱ در تهران دیده به جهان گشود. دو ساله بود که به اتفاق خانواده به روستای پدریش، گرگان از توابع آشتیان، مهاجرت کرد.

استاد قریب، کودکی و تحصیلات مقدماتی خود را در گرگان گذراند. در آنجا مکتبهایی وجود داشت که به تدریس علوم و ادبیات قدیم آن روز





چون ایشان ۱۵ سال سابقه داشت و طی آن مدت هم جزوه ای در زمینه بلورشناسی کانی های جزیره هرمز تهیه کرده بود واجد شرایط این قانون شد. بعد از تصویب این قانون دانشسرای عالی دانشگاه خوارزمی فعلی و دانشکده علوم دانشگاه تهران همزمان با هم از افرادی که دارای چنین ویژگی هایی بودند دعوت به عمل آوردند، هر دو جا باهم پذیرفته شد هنگامی که قرار شد از سوی شورای دانشگاه، حکم برایش صادر شود بین رئیس دانشسرای عالی و رئیس دانشکده علوم اختلاف افتاد بالاخره رئیس دانشگاه تهران گفت این موضوع را به عهده خودشان بگذارید ایشان هم دانشسرای عالی را انتخاب کرد. در سال ۱۳۴۸ با رتبه ده استادی و ۳۸ سال سابقه کار از دانشسرای عالی بازنشسته شد.

تأسیس مدرسه عالی علوم اراک

دکتر عبدالکریم قریب طی سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ با همکاری دوستانش دکتر حسین گل گلاب و دکتر پرویز شهریاری مشغول تأسیس و توسعه مدرسه عالی علوم اراک شد که بعدها سنگ بنای دانشگاه اراک گردید تا سال ۱۳۵۵ ریاست آن بر عهده خود ایشان بود در این سال وزارت علوم، بخشنامه ای صادر کرد که به موجب آن کلیه مدارس عالی ملی می بایست ضمیمه دانشکده دانشگاه ها می شدند بر همین اساس مدرسه عالی علوم اراک ضمیمه دانشسرای عالی شد بعد از این واقعه با گذشت



رشته علوم طبیعی ادامه تحصیل داد و تا پایان تحصیلات دوره لیسانس در این رشته ماند، به خصوص چون زمین شناسی بخشی از این رشته تحصیلی بود، به مرور زمان به آن بسیار علاقه مند شد، در این رشته ماند. علاقه وافر استاد قریب به زمین شناسی تا آنجا پیش رفت که نامبرده موفق شد در مدت سه سال، مدرک لیسانس علوم طبیعی را از دانشسرای عالی اخذ نماید، استاد بعد از به پایان رساندن دوره لیسانس، مطالعاتش را در زمین شناسی ادامه داد. دکتر قریب در سال ۱۳۱۷ در رشته علوم طبیعی فارغ التحصیل شد. او در مدت تحصیل در دانشگاه از راهنمایی استادان عالیقدری برخوردار بود. در دوران تحصیل از محضر استادان گرانقدری همچون پروفسور احمد پارسا و پروفسور ریموند فورون، بهره برد.

ایشان بعد از اخذ مدرک لیسانس همه موظف بودند به مدت یک سال هر جایی دولت تعیین می کند بروند و کار کنند اهواز از جاهایی بود که داوطلب نداشت ایشان اهواز را انتخاب کرد و پس از یک سال تدریس در دانشسرای مقدماتی و یک دبیرستان دخترانه در سال ۱۳۱۸ به تهران بازگشتند و در سال ۱۳۲۰ به سربازی رفت و به پایان رساند. سپس به دانشگاه تهران رفت و به عنوان مربی و متصدی آزمایشگاه کانی شناسی دانشکده علوم مشغول به کار شد، در سال ۱۳۳۰ قانونی گذران گذاردند که هر یک از فارغ التحصیلان لیسانس که حداقل ۸ سال سابقه کار در دانشگاه و تالیفاتی داشته باشند مدرکشان دکتری شناخته می شود و



ایشان معتقد بود با آن که بیش از ۲۶۰ غار کوچک و بزرگ در اقصی نقاط کشور کشف شده است اما هنوز مطالعه جامعی در مورد کاربرد هیچ یک انجام نشده است در سال ۱۳۶۸ به زادگاه خود بازگشت و رشته زمین شناسی شناسی را در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان راه اندازی کرد. دکتر عبدالکریم قریب در مدت ۵۰ سال کار آموزشی و پژوهشی موفق به ترجمه تالیف و چاپ بیش از ۴۳۰ مقاله و ۳۰ کتاب در زمینه علوم زمین شد تا جایی که به واسطه تالیفات و ترجمه‌های متعدد از سوی جامعه زمین شناسی به عنوان پدر علم زمین شناسی ایران شناخته می شود. دانشگاه خوارزمی در سال ۱۳۷۱ برای ارج نهادن به یک عمر تلاش های علمی استاد سمیناری تشکیل داد و آزمایشگاه های گروه زمین شناسی پردیس تهران راه نام ایشان نامگذاری نمود سازمان انرژی اتمی نیز در سال ۱۳۷۲ بخشی از کتابخانه این سازمان را به نام ایشان نامگذاری کرد. در نهایت دکتر عبدالکریم قریب گرکانی در سال ۱۳۸۱ غروب ۱۷ بهمن ماه در اثر سکته قلبی درگذشت و بنا به وصیتش در زادگاهش آشتیان در میان حزن و اندوه دانشگاهیان جامعه علمی کشور در دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان آرام گرفت.

از بهمن ماه ۱۳۵۷ تا مرداد ماه ۱۳۵۹ ریاست دانشگاه برعهده دکتر قاسمی هنری قرار گرفت. سال ۱۳۵۹ زمانی که دانشگاه به دلیل انقلاب فرهنگی تعطیل شده بود دکتر فروزان فر به عنوان رئیس دانشگاه معرفی شد. ریاست دکتر فروزان فر نیز طولی نپایید و مهندس محمدرضا ناظمی از اعضای هیات علمی گروه فیزیک دانشگاه این مسئولیت را پذیرفت و تا سال ۱۳۶۶ که دکتر طاهری زاده از سوی وزارت علوم به عنوان رئیس دانشگاه عالی علوم معرفی شد. در آذرماه سال ۱۳۶۸ این



زمان اختلافات مدیریتی بیشتری بروز کردخود استاد در این باره می گفت وزیر علوم وقت در مورد اعتصابات دانشجویان می خواست افراد مخفی در بین آنها قرار دهد و با حرکتی انقلابی آنها جدی برخورد کند این کار با روحیه من سازگار نبود و چون من آن دستورات را انجام نمی دادم از تهران مرا خواستند و گفتند آقای وزیر علوم گفت که صلاح نیست شما در اراک باشید بیایید مشاورعالی دانشسرای عالی شوید من هم گفتم آقای وزیر علوم خیلی خوب تشخیص دادند که صلاح نیست من در اراک باشم ولی من هم تشخیص دادم که صلاح نیست مشاورعالی بشوم پس از آن استاد به تهران آمد و تا زمان وقوع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه ها در دانشگاه شهید بهشتی به صورت تحقیق و تدریس مشغول به کار شد.

از سال ۱۳۵۸ به بعد به عنوان مشاور سازمان انرژی اتمی منصوب شد و تا پایان عمر کم و بیش با آن سازمان همکاری داشت ایشان مدتی رئیس کمیته غارشناسی ایران نیز بودند و در جلسات کمیته که نمایندگانی از ۵ سازمان انرژی اتمی حفاظت محیط زیست میراث فرهنگی سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور و سازمان تربیت بدنی در آن حضور داشتند شرکت می نمود در مورد غارهای





تأسیس دانشکده کشاورزی فراهم گردید. تأسیس دانشکده فنی و مهندسی در شهر اراک که شهری صنعتی است، از شاهکارهای دوران ریاست ایشان می باشد. روند ساخته شدن دانشکده علوم پایه در همین زمان آغاز شد. خرید ساختمان اولیه مدرسه عالی مرجان که هم اکنون به نام پروفسور حسابی می باشد نیز در زمان ریاست ایشان صورت گرفت. در تابستان ۱۳۸۱ نوبت به دکتر ملک سلیمانی رسید تا ایشان خدمات خود را به دانشگاه برساند و به عنوان رئیس دانشگاه اراک معرفی گردد. پس از شکل گیری دانشکده علوم پایه و پی ریزی اولیه پردیس دانشگاه (سایت سردشت) حال عملکرد هشت ساله دکتر سلیمانی برای ادامه گسترش دانشگاه اراک آغاز شد. از کارهای مهم دوران ایشان پس گرفتن اراضی بالای پردیس سردشت از سپاه پاسداران می باشد. کلنگ زنی و افتتاح چند ساختمان پردیس نیز در این زمان انجام شد. سال ۱۳۸۹ دکتر رضا صادقی سرابی از اعضای هیات علمی دانشگاه لرستان و با حکم وزیر وقت دکتر کامران دانشجو رئیس دانشگاه اراک شد. راه اندازی استخر و افتتاح مسجد دانشگاه از مهمترین فعالیت های دوران چهار ساله ایشان می باشد. سر انجام دکتر سعید حمیدی از مدیران فعال دانشگاه در دی ماه سال ۹۲ به عنوان رئیس دانشگاه اراک انتخاب شد. و تا کنون نیز بر این سمت می باشد. دوران ایشان نیز کارهای فاخری صورت گرفت از جمله تکمیل ساختمان مدیریت، راه اندازی بنیاد مردمی و تکمیل ساختمان های آموزش و امور دانشجویی با کمک های مالی خیرین، راه اندازی رشته های کاربردی و میان رشته ای، تأسیس دانشکده های زبان های خارجه، اداری و علوم اقتصادی و هنر، دانشگاه هم اکنون شامل هشت دانشکده علوم پایه، علوم انسانی، ادبیات و زبانهای خارجه، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر، فنی و مهندسی، اداری و علوم اقتصادی، علوم ورزشی مشغول به فعالیت است.

مؤسسه استقلال خود را به دست آورد و با عنوان «دانشگاه تربیت معلم اراک» فعالیت خود را پی گرفت. به منظور استفاده بهینه امکانات آموزشی دانشگاه از سال ۱۳۶۹ در چهار رشته فیزیک، شیمی، زیست شناسی و ادبیات فارسی نیز اقدام به پذیرش دانشجوی شبانه کرد. دانشگاه اراک در سال ۱۳۷۰ در رشته علوم تربیتی با گرایش تکنولوژی آموزشی و در رشته دبیری الهیات و معارف اسلامی و همچنین در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳ به ترتیب زبان انگلیسی و رشته های دبیری ادبیات عربی و تربیت بدنی اقدام به پذیرش دانشجو کرد.

همچنین با هدف توسعه تحصیلات تکمیلی، کارشناسی ارشد شیمی با سه گرایش شیمی آلی، شیمی معدنی و شیمی تجزیه در سال ۱۳۷۳ شروع به فعالیت نمود.

از سال ۱۳۷۴ دکتر غلامعلی نادری مسئولیت دانشگاه را پذیرفت که در سال بعد یعنی سال ۱۳۷۵ با تصویب طرح جامع (دانشگاه تربیت معلم) به (دانشگاه اراک) تغییر نام یافت. دوران ریاست دکتر نادری نیز ۲ سال و اندی طول کشید تا اینکه سرپرستی دانشگاه در سال ۱۳۷۶ به دکتر ابراهیم اصلانی محول گردید. در همین زمان طرح جامع دانشگاه اراک با مساحت ۳۸۲ هکتار در محل کنونی پردیس دانشگاه اراک به تصویب رسید. کلنگ اولین ساختمان دانشگاه در همین پردیس در سال ۱۳۷۷ توسط دکتر ذوالانوار معاون اداری و مالی دانشگاه و دوران سرپرستی دکتر اصلانی زده شد. که اولین دانشکده طرح جامع همین دانشکده علوم پایه می باشد. از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۱ ریاست دانشگاه برعهده دکتر محمد تقی مختاری از اعضای هیات علمی دانشگاه خوارزمی قرار گرفت که دوران ایشان نیز دوران درخشانی برای دانشگاه بود. از نکات مهمی که می توان در دوران ایشان مورد اشاره قرار داد خرید مزرعه ۱۶۰ هکتاری دانشگاه است، که زمینه

از سیاست و انقلاب تا... دانشگاه وسازندگی

دکتر ذوالانوارى اگرچه چند سالى است بازنشسته شده اما همچنان فعال و از چهره هاى برجسته و نامى آشنا مىان دانشگاهيان و مسئولان و اهالى استان است. با او به پهانه ى خدمات و خاطرات شنيدنى اش گفتگويى داشته ايم که با تلخيص و تخلص پيش روى شماست.

(۱) سياست و دانشگاه

سيد عبدالعلى ذوالانوارى متولد سال ۳۴ در شيراز و در خانواده اى سياسى مذهبى. دوران دبستان و دبیرستان را شيراز بودم. پدرم از روحانيون شيراز بود. خرداد سال ۴۲ من ۸ ساله بودم بعد از واقعه ى ۱۵ خرداد قم، در شيراز شروع کردند به دستگيرى تعدادى از علما. پدر و مادرم و دوتا از برادرانم به تظاهرات پيوستند. شيراز شلوغ شد... نيروى نظامى نتوانست جلوى مردم بایستد، ارتش هم سررسيد و خيلى مردم را زدند، خانه ما وسط شيراز نزديک چهارراه زند روبروى شهردارى بود، همه رفتند بيرون منم سرک کشيدم ديدم خيلى شلوغ است... ارتش حمله کرد و مردم فرار کردند... دويدم ، برگشتم سرم محکم خورد به تير چراغ برق و اين برايم خاطره شد. بعدها برادرشهيديم مى گفت که من مبارزه را از پدر آموختم... ولى فعاليت هاى خودم را از ۱۳ سالگى زمانى که با جلسات هفتگى آيت الله حائرى آشنا شدم شروع کردم... و در ۱۶ سالگى در مشهد دستگير شدم و به زندان افتادم. البته بخاطر صغرسن بعد از مدتى آزاد شدم ... دستگيرى من هم بيشتر بخاطر برادر شهيدم بود که در سال ۱۳۵۴ بخاطر فعاليت هاى سياسى تيرباران شد... ولى در دوران دانشجويى دو بار ديگر هم بخاطر فعاليت هاى سياسى باز داشت شدم . در دبیرستان و انجمن اسلامى فعال بودم. سال ۱۳۵۳ در کنکور قبول شدم و وارد مدرسه عالى علوم اراک شدم و فعاليت هاى مذهبى، سياسى را ادامه دادم. البته خيلى مرزى بين فعاليت هاى مذهبى و غير مذهبى نبود اما، ما با ديد مذهبى کار مى کرديم و بعدها انجمن اسلامى دانشجويان را پايه گذارى کرديم. در ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۳ شاه، حزب رستاخيز را در دانشگاه ها آورده بود و دفتر بزرگى در آموزش گذاشته بودند که همه بايد مى رفتند امضا مى کردند... ما در مخالفت حزب رستاخيز راهپيمايى بزرگى در شهر اراک راه انداختيم، و جشن رستاخيز دانشگاه را به هم زديم. از فردا صبح شيشه شکستيم و مانع از برگزارى کلاسها شديم، با تجمع و سروصدا و شعار ، اعتراض ها را نشان داديم. ما از اسفند سال ۵۳ تا انقلاب به اعلام رسمى



مباحث انقلابى



برگزار کردیم... بعدها بچه های کمونیست، بدون وضو آمدند داخل صف نماز! آن نماز جماعت تمام حیاط را گرفت و ... و بعد از پیگیری ها در نهایت مسئولین دانشگاه یک مکان که الان بانک دانشگاه است به ما دادند و ما جا مهری و چادر و بلندگو تهیه کردیم و... از سال ۵۶ تا ۵۸ گروهک ها وجود داشتند. کشور، آرام و اراک آرام تر از بقیه جاها بود که شاه سالی یکبار اراک سفر می کرد. چون بعضی جاها اصلا نمی رفت. مرحوم حجت الاسلام قاضی زاده و حجت الاسلام میرجعفری جز معدود روحانیون مبارز شهر اراک بودند که در مسجد آقای قاضی زاده و مسجد حاج محمد ابراهیم مراسم مختلف گرفته می شد، برخی سخنرانان را پنهانی از قم می آوردند و جاهای مختلف سخنرانی برپا می شد و دانشجویان در کنار بقیه ی اصناف و بازاریان، نقش مهمی داشتند. انجمن حجتی ها هم فعال بودند اما آنها خیلی از ما دانشجویها دل خوشی نداشتند و مارا در مراسماتشان راه نمی دادند. و کنار اینها اول انقلاب گروه های مختلف با افکار غیر مذهبی تلاش می کردند، فعالیت می کردند و نسبت به امکانات دانشگاه مدعی هم بودند. از طریق انجمن اسلامی مدتی سینمای قصر طلایی اراک را کرایه کردیم و فیلم های انقلابی پخش می کردیم، شاه لیر، مادر، و نبرد الجزیره و... فیلم ها ترجمه زیر نویس داشتند. چون این فیلم ها اکران عمومی نمی شد بلیط خودمان می فروختیم یکبار بازار سیاه راه افتاد و استقبال شد و ما گفتیم خودمان بلیط بفروشیم، بلیط ارزان فروختیم و بیش از صدلی ها فروختیم! مشکل دیگری ایجاد شد و پلیس آمد.

رستاخیز، سنگ انداخته بودیم که مردم مقداری از مشکلات را ببینند. قبل از انقلاب دانشگاه و دانشجو و روحانیت جایگاه خاصی بین مردم داشتند و مورد اعتماد مردم بودند. در سال های منتهی به انقلاب اسلامی مدرسه عالی علوم و دانشجوها در حرکت های مردمی و آگاه کردن مردم نقش به سزایی داشتند به نحوی که راهپیمایی های اراک یا از مدرسه عالی علوم انجام می شد یا به مدرسه عالی علوم ختم می شد. ما در دانشگاه از سال ۵۶ اقدام به راه اندازی انجمن اسلامی کردیم که نقش موثری در راهپیمایی ها و مبارزه علیه شاه و آگاه کردن مردم داشت. البته گروه های غیر مذهبی هم در دانشگاه فعالیت هایی داشتند ولی چون خیلی مورد تایید مردم نبودند و حمایت نمی شدند کم کنار زده شدند. انجمن اسلامی دانشجویان خیلی رونق گرفت چون ما فعالیت های زیادی داشتیم، کتابخانه ی مسجد آقا ضیاءالدین را به عنوان پایگاه دانشجویان مذهبی انتخاب کرده بودیم و ما دانشجویان آنجا کار می کردیم، به اجازه مسئولین و به کمک دانشجویان اراکی آقایان سید رضا صالحی، احمد معصومی، و دوستان دیگر کمک کردند و کتاب آوردیم و کتابخانه برای آقایون و ساعتی هم به خانم ها اختصاص دادیم، آنجا پایگاه بزرگ و مهمی برای نشر عقاید و افکار اسلامی و مبارزاتی شد. این فعالیت ها با جلسه سخنرانی یا راهپیمایی و یا کارهای فرهنگی به این شکل هم در آنجا و هم در دانشگاه هماهنگ پیش می رفت. قبل از انقلاب در دانشگاه جایی برای نماز خواندن نداشتیم. بعد از پیگیری هایی سرانجام به اعتراض نماز جماعت را توی حیاط





شخصی به نام آقای عباسی مالک سینما بود. ما داشتیم بلیط می فروختیم که پلیس سر رسید... من توی جمعیت گم شدم و فرار کردم.... من نماینده آیت الله طالقانی در استان بودم. پولهایی را آنها در تهران جمع می کردند و می فرستادند و ما اینجا در سال ۵۷ که کشور تعطیل بود ارزاق می خریدیم و در منطقه های پایین شهر توزیع می شد... ۱۵ مهر سال ۱۳۵۷ مدرسه عالی تعطیل اعلام شد. ما در محوطه و کلاس هایی در مدرسه عالی دایر کردیم که اساتیدی را از قم و اراک میاوردیم. از مهر تا بهمن که انقلاب پیروز شد محیط دانشگاه را جهت آگاه کردن مردم به کار گرفتیم، برنامه می زدیم ثبت نام می کردند کلاس های اسلام شناسی، تاریخ ادیان و مسائل مختلف بینشی و ...

۲) دانشگاه و انقلاب

توی خیابان شهید بهشتی، عباس آباد، روبروی موزه مفاخر همانجا شعار میدادیم، تعدادمان هم زیاد نبود... دوبار آنجا با پلیس درگیر شدیم، پلیس نیرو زبده ای نداشت و همین پاسبانانی بودند که ورزش هم نکرده بودند و جسم ورزیده ای برای اینکار نداشتند. ما سنگ های کف پیاده رو را می کندیم و حمله کردیم و متفرق شدیم. صبح روز سوم قرار گذاشتیم داخل خود باغ ملی (مرکز شهر) تظاهرات کنیم که نیروی امنیتی چون خودشان به اندازه کافی نیرو نداشتند از ژاندارمری

قم کمک خواستند و ... تعدادی از بچه ها گیر کردند و عده ای فرار کردند. سال بعد تظاهرات بعدی و تظاهرات بعدی و تقریباً ما هر سال یک تظاهرات و برخورد با پلیس را داشتیم.

بهمن یا خرداد ۱۳۵۸ فارغ التحصیل شدم البته یک سال هم دانشگاه تعطیل بود. آن زمان دکتر عبدالکریم قریب رییس دانشگاه بود و سال ۵۵ دکتر نوجوان آمد. آقای عبدالکریم قریب واقعا از بزرگان کشور بود، پدر غار شناسی ایران بود، و با زحمت زیاد و بعد از بازنشستگی مدرسه عالی علوم اراک را راه انداخته بود، انسان بزرگی بود که تا اواخر عمرش تدریس می کرد و کار می کرد. وزارت علوم تصمیم داشت مدارس عالی کشور را به مراکز آموزش عالی اقماری دانشگاه های بزرگ بسپارد. هر مدرسه عالی را به یک دانشگاهی دادند. مدرسه عالی اراک زیر نظر دانشگاه تربیت معلم رفت. اتفاقاً یکسال به بهانه همین تربیت دبیری شدن و وابستگی به دانشگاه تربیت معلم، تظاهرات کردیم که دیگر ۱۶ آذر هر سال ما تا انقلاب تظاهرات داشتیم. بعد از تظاهرات و مسائلی که دکتر قریب کنار رفت، دکتر نوجوان رییس شد. وی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم بود که الان به نام دانشگاه خوارزمی شده است، بعد از اینکه وابسته به آنجا شد تمام حساب و کتاب ها و بودجه و نیروها زیر نظر دانشگاه تربیت معلم بود. آقای نوجوان زمان شاه از خودش اختیار چندانی نداشت، آن زمان فاصله بین اساتید، مسئولین و رئیس دانشگاه با دانشجو خیلی زیاد بود و ما





مدرسه عالی وزارت علوم را نداشتیم. آقای ناظمی، نامه نوشت به وزیر علوم درخواست کرد که من را از آموزش و پرورش انتقال بدهند اینجا و در واقع تقاضای همکاری کرد. من منتقل شدم به وزارت علوم و این پروسه طول کشید و تا من وارد دانشگاه شدم آقای دکتر طاهری زاده ریاست بود. از ابتدا که وارد شدم به عنوان مدیرگروه فیزیک معرفی شدم. در سال ۱۳۶۷ تعداد مدرسانمان کم بود و بی کیفیت! من تلاش کردم گروه فیزیک را ارتقا بدهم و حدود ۱۶ نفر را از دانشگاه صنعتی شریف دانشگاه تهران و پلی تکنیک و جاهای مختلف دعوت کردم، چون هیئت علمی استخدامی نداشتیم و کم داشتیم این کار را کردم و یک رونقی گرفت بعد توسعه ی کارهای عمرانی را برنامه ریزی کردم. یک زمین نزدیک دانشگاه بود که پس از پیگیری کسی برای واگذاری زمین ها مراجعه نکرد و با آقای سعیدی مسئول زمین شهری صحبت کردم، ایشان راهش را به ما یاد داد... بعد از ۳ بار که در روزنامه اعلام کردیم زمین شهری آن زمین را برای طرح توسعه ی به دانشگاه واگذار کرد. ما رفتیم و آن را به برنامه و بودجه ارائه کردیم البته از طریق رئیس دانشگاه و رئیس مدرسه عالی آقای طاهری زاده خیلی حمایت شدیم. ولی هیچ حکمی و یا دستوری من نداشتیم من به عنوان مدیر گروه بودم و حق مدیریت و چیزی نداشتیم. اول رفتیم که پارک امیرکبیر را بگیریم شهردار را آوردیم و موافقت نکرد که بعد رفتیم دنبال زمین پشت

به راحتی نمی توانستیم با آنها ارتباط بگیریم. یعنی کسی در ایران حق اظهار نظر و یا انتقاد و ... نداشت. مردم هم همینطور بودند و ساواک خیلی نفوذ داشت و نیروهای امنیتی همه جا دخالت می کردند.

(۳) سازندگی و توسعه

دانشگاه، یک مدرسه عالی بود که آقای عبدالکریم قریب سال ۵۰ در ساختمان قدیمی استیجاری بنا کرده و بعد زمینی را گرفته بود. زمینی کمتر از ۴،۵ هزار متر محوطه فعلی تا ساختمان گل و گلاب، اول ساختمان کلاس هارا ساختند بعد آزمایشگاه ها، ساختمان گروه زیست و موزه علوم طبیعی وجود نداشت. سال ۱۳۵۶ ساختمان استاد سرای فعلی و نمازخانه و روی آن را ساختند. چون اساتیدمان بیشتر از تهران می آمدند یک طبقه اش خوابگاه اساتید بود. روی آن سالن اجتماعات بود که بعد نمازخانه شد و طبقه هم کف آن قبل از انقلاب سلف سرویس بود. دیوار شمالی طرف پارک کاه گلی بود بعدا آن را ساختیم از این طرف هم تا لب رودخانه بود و خیابانی نبود و جمعا می شد ۵۰۰ متر. مهندس ناظمی که از من برای ورود به دانشگاه دعوت کرد، آن زمان استخدام آموزش و پرورش بودم، همینطور مشاور نماینده امام و سرپرست مرکز سواد آموزی آقای قرائتی بودم. ایشان دعوت کرد از من و من درخواست استخدام در





کتابخانه که الان مجموعه ی دانشکده علوم انسانی هست مجموعه این زمین را در سال ۱۳۷۶،۷۷ گرفته بودیم و شروع کردیم به ساخت. قسمت محوطه سازی سال ۷۶-۷۷ شروع شد ولی خود زمین را سال ۶۷-۶۸ گرفته بودیم و با مسئولین برنامه و بودجه مشاوره دادم و برنامه ریزی کردند پیمانکار خوب از تهران گرفت و دانشکده علوم انسانی را بنا گذاشتیم که من رفتم برای ادامه تحصیل فوق لیسانس و وقتی برگشتم این ساختمان یک مقدار پیش رفته بود ولی پیمانکار در تکمیل کار مانده بود. از سال ۷۰-۷۱ شروع به ساخت شد... بعد گروه های آموزشی یکی یکی رفتند و مستقر شدند. آنزمان من معاون اداری مالی بودم. از تابستان ۱۳۷۴ تا ۷۷، سه تا رییس عوض شد. به فکر گسترش دانشگاه جامع افتادیم که نیاز به زمین بزرگ بود. برای طرح گسترش تقریباً تمام زمین های اطراف شهر اراک را به کمک منابع طبیعی بررسی کردم و بعد به کمک معاون عمرانی استانداری تمام زمین های اطراف اراک را بررسی کردیم ولی هیچ کدام به نتیجه مطلوب نرسیدیم. بعد دوستان ما آقایان حسنی، نظام دوست، زمانی که، رفتند پیش آقای طاهری زاده که ... ایشان یک حکم انشایی به عنوان معاون طرح و توسعه دانشگاه، به من دادند. بعد از اینکه فوق لیسانس گرفتم در سال ۷۴ اینکار را پیگیری کردم. من در همان

دوران تحصیلم با بچه های سپاه صحبت کردم که آنجا دکتر قریب زمینی به مساحت ۱۱ هکتار در محل فعلی طرح جامع دانشگاه اراک، داشته است ولی ورودیش بعد از رودخانه بود و رها شده بود. پیگیری ها ادامه داشت تا اینکه همین زمین ها برای طرح جامع انتخاب شد.

سپس برای گسترش عمران دانشگاه از مهندس صورتگر که در سال ۷۴،۷۵ مسئول دفتر فنی ما بود و مهندس رئوفی دعوت بکار کردم، ما دوسال تابستان، بودجه تعمیرات را طبق اختیارات قانون به عنوان ساخت و ساز استفاده کردیم و یک طبقه به ساختمان اداری فعلی که الان دانشکده کشاورزی است و سال بعد هم به ساختمان تالار گل و گلاب یک طبقه اضافه کردیم و آمفی تئاتر را به طبقه تازه تاسیس ب بردیم و طبقه پایین را به کتابخانه واگذار کردیم، در این طبقه یک سالن ساختیم. به هرحال یک گشایش موقتی برای مدرسه عالی شد. دنبال زمین رفتیم و رسیدیم به زمینی تو ذهنم بود و این را بهانه کردیم و از سپاه گرفتیم. آقای صالح مدرسه ای، استاندارد وقت ، این زمین را زمان جنگ و حسب نیاز، طی نامه ای به سپاه واگذار کرده بود. آنجا پایین پوکه پر می کردند و بالا زاغه مهمات درست کرده بودند توی کوه ها و شامل زمینی به مساحت ۷۵ هکتار ۴۰،۴۵ هکتارش مسطح بود و مابقی کوهپایه





بود که طی قرار دادی سپاه به ما واگذار کرد... دیگر آزمون دکتر طاهری زاده به من حکم معاون طرح و توسعه را داده بود با موافقت و کمک ایشان طرح ساخت و ساز را به مناقصه گذاشتیم. روزی از میان تمام مهندسين مشاور که رزومه دادند و فرم پر کردند شرکت مهندسين معمارين محيط را انتخاب کردیم، دکتر هوش ور را انتخاب کردیم و شروع به کار کردند. از سال ۶۷ به فکر اینجا بودم تا سال ۷۶،۷۷ که کلنگ اولین ساختمان اینجا را (پرديس جامع دانشگاه اراک همان ساختمان دانشکده علوم پایه) زدیم.

تابستان سال ۷۴ بود که آقای طاهری زاده (رییس وقت) به خاطر مشکلاتی که داشت و به تهران رفت و آمد می کرد و هفته ای دوروز، برای رسیدگی می آمد و بقیه طول مدت هفته کارهای آنجا را در چند ماه آخر ریاستش من انجام می دادم و بخاطر اصرار دکتر طاهری زاده به استعفا و رفتن، وزارتخانه اول به من سرپرستی مدرسه عالی را پیشنهاد دادند و نپذیرفتم و نهایتاً دکتر نادری را که دوران خدمت سربازی را در تربیت مدرس می گذراند معرفی کردند. با ایشان تا سال ۷۶ همکاری کردیم. در این دوره فراز و نشیب و مشکلاتی در زمینه ی عمرانی ... داشتیم. مدرسه عالی مرجان که سال ۵۰ راه اندازی شده بود، سال ۱۳۵۳ به مدرسه عالی علوم اراک تغییر کرد. سال

۸ سال مدیر گروه بودم یعنی ۴ دوره، هر دوره دوساله هست، بیش از دوسال معاون طرح و توسعه دانشگاه بودم، بیش از ۳ سال معاون اداری مالی دانشگاه بودم، رئیس دانشکده علوم پایه بودم، در شوراهای تحصیلات تکمیلی، شورای دانشگاه سالها عضو بودم و خارج از دانشگاه ۳ سال و نیم رییس دانشگاه علمی کاربردی استان بودم. مدتی هم رییس علمی کاربردی استان اصفهان بودم.

سال ۸۶ که من رییس دانشکده علوم پایه شدم زحمت ها کشیده شده بود و من سعی کردم نظم را برقرار کنم. مسائلی در انتقال مدیریت به وجود آمده بود و... و دکتر صادقی را من بعنوان معاون اداری مالی معرفی کردم، دکتر علی محمدی هم معاون آموزشی دانشکده بودند.

دانشکده علوم پایه دانشگاه اراک

SCIENCE FACULTY, IRAK UNIVERSITY

مهندسان مشاور معماری و محیط

ARCHITECTURE & ENVIRONMENT CONSULTING ENGINEERS

South elevation
نمای جنوبی

Longitudinal section
برش عمودی بر اساس

● محل اجرا: ابتدای جاده اراک - بروجرد، اراضی سردشت ● کارفرما: دانشگاه اراک
● گروه طراحی: بزادان هوشور، خوبچهر کشاورزی ● سازنده: سعید ایمنی
● همکاران طراحی: امین هاشمی، علی نخجوانی، ساسان سپهری، ارش توکلنیا
● تأسیسات مکانیکی: حمید رستگاری ● تأسیسات الکتریکی: اصغر الله وردی زاده ● اجرا: شرکت نوگستر ● تاریخ شروع: اردیبهشت ۷۷ ● تاریخ اتمام: شهریور ۸۱ ● زیربنا: ۱۸۰۰ مترمربع ● عکس: منم هوشور، ارش شریفی

● Client: Arak University ● Design team: Yazdan Hushvar, Khubchehr Keshavarzi ● Design associates: Amin Hashemi, Ali Nakhjavani, Sasan Sepehri, Arash Tavakolnia ● Structure: Saeed Imeni ● Mechanical: Hamid Rastegari ● Electrical: Asghar Allah Verdizadeh ● Construction: Nogostar Company ● Start date: 1998 ● Completion date: 2002 ● Total built area: 11800 m² ● Photo: Sanam Hushvar, Arash Sharifi



در طراحی ساختمان دانشکده علوم پایه از بازار اراک و خانه‌های قدیمی اراک الهام گرفتیم.

دانشگاه‌ها یک هدف دارند و آن، این است که دانشجویی را پرورش دهند که به درد این مملکت بخورد.

در جامعه‌ی معماری ایران، کمتر کسی است که نام او را نشنیده باشد. کسی که در فضای بی روح معماری کشور توانست ادبیاتی را بنیان گذارد که بین مفاهیم حقوقی و فنی هماهنگی و ارتباط برقرار کند و بیش از ۵۰ سال از عمر خود را صرف پیوند سنت و مدرنیته در معماری نماید.

با مهندس یزدان هوشور، طراح دانشگاه اراک و حرفه‌ای او درباره طراحی و شکل‌گیری دانشگاه اراک آشنا شوید.

ما طرح جامع دانشگاه اراک را بر حسب شش هزار دانشجوی طراحی کردیم و به تصویب رساندیم. این اولین پروژه دانشگاهی بود که انجام می‌دادیم. در خصوص انتخاب زمین چند انتخاب وجود داشت که یکی از آن‌ها زمین‌های منطقه انجیرک بود، ما آنجا را بررسی کردیم، زمین وسیعی داشت، در بحث تامین آب مشکلی نبود، پست ترانس برق در مجاورت آن قطعه زمین بود و یک دهکده هم در نزدیکی آن قرار داشت فقط مشکل این بود که از شهر، فاصله داشت و باعث می‌شد ارتباط دانشجوی با شهر قطع شود و در حقیقت دانشجوی در آنجا زندانی می‌شد. من اعتقاد دارم که دانشجوی باید با مردم شهر در تماس باشد. به هر صورت ما با زمین انجیرک مخالفت کردیم.

گزینه‌ی دیگر زمین‌های سردشت بود. در آن زمان آن منطقه را چوب فروش‌ها اشغال کرده بودند. زمین شیب زیادی داشت و پر از



یزدان هوشور

مهندسی معمار دانشگاه اراک

در طراحی ساختمان دانشکده علوم پایه از بازار اراک و خانه‌های قدیمی اراک الهام گرفتیم.

دانشگاه‌ها یک هدف دارند و آن، این است که دانشجویی را پرورش دهند که به درد این مملکت بخورد.





دانشگاه هم با همین منطق با سازمان برنامه مذاکره کرد و آن‌ها هم قبول کردند. تغییر این تصمیم کار بسیار سختی بود که به هر حال انجام دادیم.

در طراحی یک پروژه، معیارهای مهمی وجود دارند، مثل عملکرد، اقتصاد سطح زیر بنا و جغرافیا. با توجه به این که من قبلاً در طرح‌های جامع شهری کار کرده بودم احساس کردم همه‌ی این موارد می‌تواند در دانشگاه هم عملی باشد. بحثی هم جدیداً در معماری مطرح شده این است که این معماری چه ارتباطی با معماری گذشته دارد؟ چه ارتباطی با فرمت ما دارد. من مطالعاتی در خصوص تاریخ اراک داشتم. می‌دانستم که اراک سابقه دیرینه‌ای ندارد و ساخت شهر مربوط به ۳۲۰ سال قبل است و معماری خاصی ندارد که بتواند مبنای پروژه‌های بعدی باشد. مطالعه کردم که در اراک خانه‌های زیبایی وجود دارد ولی به هر حال در حدود خانه بودند و هیچ‌کدام

خار بود ولی زمین هزینه‌بردار نبود. ما اینجا را انتخاب کردیم و ۱۰۷ هکتار از این اراضی را در اختیار ما قرار دادند. زمانی که ما شروع به طراحی کردیم متوجه شدیم که از این مساحت فقط ۴۷ هکتار مفید است و کنترل شیب قسمت‌های دیگر زیاد است و هزینه بر. بر اساس این ۴۷ هکتار طرح جامعی تهیه کردیم که در حقیقت اولین طرح جامع دانشگاه بود و آن طرف رودخانه بود. اولین دانشکده‌ای هم که وزارت علوم مجوزش را صادر کرد دانشکده علوم پایه بود که ما پیش‌بینی ۲۰ هزار متر بنا کرده بودیم ولی وزارت ۱۱ هزار متر مربع مجوز صادر کرد.

در ابتدای امر، سازمان برنامه و وزارت علوم به صورت آگاهانه و به اعتقاد من دانشگاه به صورت ناآگاهانه تصمیم گرفته بودند که دانشکده علوم پایه را مجاور جاده بسازند، استدلال آن‌ها این بود که ساخت دانشکده مجاور خیابان به علت دسترسی آسان به آب و برق به صرفه‌تر است. این باعث می‌شد که با وجود سنگ فروشی‌ها و چوب فروشی‌های کنار خیابان، ورودی دانشگاه از یک خیابان چهار متری آغاز شود. من با استدلال معماری، مدیریت دانشگاه را به صورت مخفیانه توجیه کردم که سازمان برنامه می‌خواهد با این کار دیگر پولی به دانشگاه تزریق نکند و بگوید همینقدر کافی است و بیش از این هم نیازی وجود ندارد چرا که شما یک سایت هم در داخل هسته شهر دارید. ولی اگر شما این دانشکده را در بالاترین قسمت محوطه قرار دهید، یک سری هزینه‌های مربوط به آب و برق را دارید ولی هزینه اضافی نیست و بعداً شما می‌توانید دانشکده‌های دیگر را هم در سایر نقاط احداث کنید.





پروژه را طراحی کنیم این پروژه می‌تواند وجه تمایز این دانشگاه از دانشگاه‌های دیگر باشد. حالا اگر شما دانشگاه آزاد را با دانشگاهی که ما ساختیم مقایسه کنید، می‌بینید که تفاوت بسیار زیادی با هم دارند. همین که دانشجوی ما از یک فضای سرسبز عبور می‌کند تا به دانشکده برسد، این مفهومی است که ما در طراحی محیط دانشگاه لحاظ کرده‌ایم. در این زمینه بررسی کردیم و متوجه شدیم که در تمام دنیا دانشگاه‌ها به دو صورت کلی اداره می‌شوند. در نوع اول شما یک سری واحدهای تخصصی را در یک محل تجمع می‌کنید و برای مثال استاد از دانشکده ادبیات به دانشکده فنی می‌آید، درسش را می‌دهد و می‌رود. پس دانشجو ثابت و استاد متحرک است. یک نوع دیگر این است که دانشجو متحرک و استاد ثابت است. خب، چه تفاوتی بین این دو نوع وجود دارد؟ ما این موضوع را بررسی کردیم. احساس کردیم که اگر ما اینجا را تبدیل به دانشگاهی کنیم که دارای چند دانشکده و هر دانشکده دارای یک رئیس باشد. کارها منظم‌تر و مدون‌تر پیش می‌روند. در صورتی که ما می‌توانستیم یک فضای وسیعی را ایجاد کنیم و چند دانشکده را در آن ادغام کنیم. ولی خواستیم که هر دانشکده فضای متناسب با رشته‌ها و کاربردهای آن دانشکده را داشته باشد و ازدحام و شلوغی نیز ایجاد نشود. ولی اگر آن

به یک مجموعه ۱۱ هزار متری نمی‌رسید. شاخص‌ترین خانه‌ی اراک، خانه‌ی آقای حسن خانیو جدای از آن بازار اراک است که بازمانده دوران قاجار و با الهام از تفکرات معماری دوره صفویه با متراژ ۶۰۰ در ۸۰۰ متر و به صورت شطرنجی ساخته شده است. و البته اراکی‌ها به آن افتخار میکنند. تصمیم گرفتیم در طراحی دانشکده علوم پایه از این طرح شطرنجی بازار الهام بگیریم. جدای از آن می‌دانستیم که در خانه‌های اراک حیاط مرکزی عملکرد خوبی دارد و از این مورد برای گرفتن سرمای شمال و گرمای جنوب الگو گرفتیم. تحقیقی هم کردیم و بر اساس آن متوجه شدیم که اراک بین زاویه ۱۷ درجه تا ۴۵ درجه جنوب شرقی، آفتاب خیلی خوبی دارد. به همین دلیل تمامی ساختمان‌های دانشگاه در این زاویه قرار دارند.

زمانی که ما یک مجموعه‌ای را می‌سازیم باید بدانیم که این مجموعه یک عملکرد خاصی دارد و این عملکرد خاص را مجموعه‌های دیگر هم دارند؛ یعنی همه‌ی دانشگاه‌ها یک هدف دارند و آن، پرورش دانشجویی است که به درد این مملکت بخورد. پس چه ضرورتی دارد که دانشگاه ما یک وجه تمایز خاص با دانشگاه‌های دیگر داشته باشد. ما اگر بیاییم متناسب با شرایط اقلیمی، کاربرد داخلی، شرایط محلی و شرایط آب و هوایی یک





کلاس از آفتاب در طراحی ما اثر گذار بوده است و همه‌ی این موارد را رعایت کرده‌ایم.

الان دانشکده علوم پایه با دانشکده فنی که کنار آن قرار دارد کاملاً متفاوت است. نیازهای دانشکده فنی با دانشکده ادبیات که در پایین آن ساخته خواهد شد متفاوت است. جدای از این‌ها یک سری پروژه‌ها مثل مسجد مسائل مربوط به خودشان را دارند. مسجد باید در جایی قرار می‌گرفت که همه‌ی دانشجویان دانشگاه با یک فاصله نسبی مناسب به آن دسترسی داشته باشند. ضمن این که دانشگاه یک جایی دارد به اسم قطب، که حیات مرکزی کل دانشگاه است که ما آن را در مقابل سازمان مرکزی قرار داده‌ایم که دانشجو برای رسیدن به سازمان مرکزی از این محوطه عبور کند و عظمت سازمان مرکزی را ببینند...

سیستم تجمیعی ایجاد می‌شد، آرامش فکری دانشجو و استاد گرفته می‌شد. این وجه تمایزی است که دانشگاه اراک با دانشگاه‌های دیگر دارد. موضوع دیگری هم که مطرح شد این بود که برای مثال آیا باید بین دانشکده ادبیات و دانشکده فنی از نظر معماری تفاوتی باشد یا خیر. ما این موضوع را در طراحی دانشکده‌های دانشگاه اراک خیلی رعایت کردیم و به همین دلیل کارگاه‌ها را در شمالی‌ترین قسمت قرار دادیم تا بین کلاس‌ها و کارگاه‌ها فاصله باشد و سر و صدای ناشی از حمل و نقل مواد و ماشین‌آلات، مزاحم کلاس‌های درس نشود. این موضوع در طراحی دانشکده کشاورزی هم مد نظر قرار گرفته است. این ریزه‌کاری‌ها باعث می‌شود تا پروژه از یک حجم متفاوتی برخوردار شود. حتی تعداد نفراتی که در کلاس‌ها مستقر می‌شوند و میزان بهره‌گیری





حسین صادقی

معاون مالی و پشتیبانی دانشگاه اراک



ساختار معاونت مالی، پشتیبانی و عمرانی دانشگاه

کند. اتفاق دیگری که در این راستا افتاد این است که در حال پیگیری این موضوع هستیم که سند باقی املاک دانشگاه را هم بگیریم. علاوه بر این دانشگاه در حال پیگیری این موضوع نیز هست که با تغییر کاربری برخی اسناد از ارزش افزوده آن ها هم استفاده نماید. برای مثال بخش آموزشی، خوابگاه فاطمیه، امیرکبیر، الزهرا و... که ممکن است کاربری دیگری داشته باشد. در حال حاضر در حال بررسی و پیگیری دو مورد از این اماکن هستیم. که یکی خوابگاه امیرکبیر و دیگری خوابگاه فاطمیه است.

دغدغه ی اصلی حضور در معاونت مالی

از سال ۹۳ که بنده معاون طرح و برنامه دانشگاه شدم چند اتفاق را به حوزه ما سپردند تا به سرانجام برسانیم: اولین مورد اینکه دانشگاه بتواند برای اولین بار در راستای یک برنامه ی منسجم تحت عنوان برنامه راهبردی عمل کند و سایر حوزه ها نیز از آن تبعیت کنند. هیئت رئیسه دانشگاه و مدیریت دانشگاه نیز خودش را با اهداف و مواردی که در حوزه های مختلف آموزش، پژوهش، اداره مالی و دانشجویی پیگیری می کنند، تطبیق دهد. در واقع این موارد با برنامه راهبردی دانشگاه،

پیش از این معاونت اداری و مالی از چهار مدیریت تشکیل شده بود که در هیات امنای دوره ی گذشته آن را از ۴ معاونت به سه مدیریت تبدیل کردیم. پس از آن معاونت برنامه و بودجه به عنوان زیر مجموعه ی حوزه ریاست دانشگاه قرار گرفت. معاونت پشتیبانی شامل سه مدیریت شد، که شامل مدیریت فنی عمرانی، مدیریت اداری، پشتیبانی و مدیریت مالی هستند.

اخذ سند رسمی املاک دانشگاه ...

یک بحث کلی در این خصوص وجود دارد که بعد از مدت ها دانشگاه توانست سند اکثر زمین های دانشگاه را دریافت کند. اعم از زمین هایی که ساخت و ساز روی آن صورت گرفته است و همینطور زمین هایی که قرار است در آینده ساخت و ساز در آن صورت بگیرد. این موضوع به عنوان توسعه پایدار دانشگاه و در واقع به عنوان یک منبع پایدار به آینده دانشگاه کمک بسیار زیادی می کند. گرفتن این سند باعث می شود که هیچ حوزه و موسسه ای در استان نتواند از طریق مسکن و شهرسازی مصوبه ای بگیرد و بیاید قطعه ای از زمین هایی که فعلا بلااستفاده مانده را تصرف





اینکه رشته‌های بین رشته‌ای در دانشگاه اراک به شدت دنبال شد و به تعداد آن هم افزوده خواهد شد.

به نوعی مدیریت دانشگاه در تمام حوزه‌ها دارای خط مشی شد. هرچند که ممکن است یک حوزه‌ای به صد درصد اهداف نرسد، ولی در هر صورت اگر به هدف خود نرسیدند هم آن موضوع احسا شده است.

جذب هیات علمی از دیگر برنامه‌های راهبردی دانشگاه

در راستای برنامه راهبردی، دانشگاه اراک به صورت بسیار جدی وارد تکمیل کادر هیئت علمی خود شد. قبل از شروع این برنامه دانشگاه ۱۷۰ الی ۱۸۰ عضو هیئت علمی داشت که در حال حاضر قریب به ۳۰۰ هیات علمی در دانشگاه مشغول به کار هستند. افزایش شدید هیات علمی تبعات مختلفی در دانشگاه دارد که قطعاً باید این تبعات مدیریت می‌شد و چون برنامه راهبردی یک برنامه چند بعدی بود، در این افزایش اعضای هیات علمی تأثیر زیادی از نظر تبعات بر دانشگاه نداشت. همزمان با آن نکته بعدی که از نظر علمی خیلی اهمیت داشت، اصلاح هرم اعضای هیات علمی بود که طبق آن اصلاح هرم باید تعداد اساتید و دانشیاران دانشگاه زیاد شود که این اتفاق هم به خوبی مدیریت شد و الان تعداد اساتید، استاد تمام و دانشیارهای دانشگاه در حد قابل قبولی است.

دربخش پرسنلی ...

در حوزه پرسنلی هم در واقع همین اتفاق افتاد، سال ۹۲ افرادی که در حوزه پرسنلی غیر هیات علمی، دارای رتبه باشند بسیار کم بودند. اکثر افراد دارای رتبه، رتبه دو یا سه بودند. ما رتبه یک خیلی کم داشتیم ولی در راستای همین برنامه ما الان تعداد بسیار خوبی از همکاران را داریم که رتبه دو و یک می‌گیرند و این باعث افتخار دانشگاه است. هیئت اجرایی هم تلاش کرد که پرونده‌های زیادی را بررسی کند و مدت زمان دریافت رتبه توسط همکاران (اگر قبلاً زمان زیادی می‌برد) الان به نسبت کمتر شده است. در واقع این ارتقا دانشگاه فقط در یک راستا نبود و ارتقا همه جانبه بود و دلیل این ارتقای همه جانبه این بود که دانشگاه در راستای یک برنامه حرکت کرد و این برنامه یک برنامه منسجم و قابل ارزیابی بود.

اقدامات مهم معاونت اداری و مالی دانشگاه...

که ظرف یک سال تهیه شد، برنامه راهبردی دانشگاه در حوزه طرح و برنامه دانشگاه ظرف مدت یک سال و نیم کاری که همه دوستان زحمت کشیدند تهیه شد و به هیئت امنا ارائه و تصویب شد و این برای اولین بار بود که دانشگاه برنامه داشت و طبق برنامه حرکت می‌کرد.

این برنامه راهبردی در سال ۱۴۰۰ به پایان خواهد رسید و دانشگاه باید برای نگارش برنامه جدید راهبردی آماده شود.

در این راستا اتفاقات خوبی افتاد، اینکه بعد از مدت‌ها دانشگاه متوجه شد که وجود رشته‌های شبانه در دانشگاه عملاً به دانشگاه کمکی نمی‌کند بلکه باعث میشود دانشگاه در ارتباطات و موارد مختلف دچار مشکل شود، به همین خاطر برنامه‌ای وجود داشت که ما رشته‌های شبانه را کم کنیم و الان ورودی شبانه نداریم و فقط تعداد کمی دانشجوی شبانه در دوره کارشناسی داریم.

و از سوی دیگر این برنامه به ما می‌گفت که برای آن که سریع‌تر به حد دانشگاه‌های جامع برسیم باید بتوانیم در مقطع کارشناسی ارشد فعالیت کنیم و تعداد رشته‌ها را افزایش دهیم و این اتفاق افتاد و در حال حاضر درصد تعداد دانشجویهای ارشد در دانشگاه نسبت به کل دانشجویها بالای ۳۰،۲۵ درصد می‌باشد. این یعنی یک اتفاق خوبی افتاد و دانشگاه اراک در راستای دانشگاه‌هایی قرار گرفت که هدفشان توسعه تحصیلات تکمیلی بود. در همین راستا اتفاق جدیدتری هم افتاد و آن



من از سال ۹۴ معاونت اداری و مالی را قبول کردم، نکته ای که خیلی مهم بود این بود که اگر قرار بود این ارتقای دانشگاه صورت بگیرد و رشته های دانشگاه زیاد شود و اعضای هیئت علمی افزایش پیدا کنند فضای فیزیکی دانشگاه کفاف انجام این کار را نمی داد. از همان زمان که من در هیئت رئیسه بودم، برنامه هایی در راستای توسعه فضای فیزیکی وجود داشت و این توسعه فضای فیزیکی قطعاً احتیاج به منابع مالی داشت و متأسفانه شرایط کشور هم به سمتی رفت که منابع مالی محدود بود و باید دانشگاه به دنبال راه های تامین منابع مالی می گشت. این اتفاق اتفاقی بود که طبق یک برنامه و پیگیری مجدانه توسط حوزه ما و خود رئیس دانشگاه توانستیم از سفر ریاست جمهوری به استان پول خوبی برای انجام طرح های عمرانی دانشگاه بگیریم و تقریباً زمانی که مدیریت جدید دانشگاه مستقر شد فقط چند ساختمان در سایت سردشت بهره برداری شده بود یکی ساختمان علوم پایه بود و یکی ساختمان فنی مهندسی و

به سرعت ساخت و ساز و تکمیل پروژه ها انجام شد. خوابگاه بهاران هم با همان اوراق سکوت شروع به تکمیل شدن کرد و عملاً دانشگاه توانست از منابع مختلفی که وجود داشت مانند سفر ریاست جمهوری و اعتباراتی که تزریق می شد پروژه ها را سر و سامان دهد. پروژه میدان مرکزی دانشگاه هم در جشن پنجاهمین سال تأسیس دانشگاه افتتاح خواهد شد.

اتفاق بعدی که افتاد پیگیری هایی بود که حوزه اداری مالی انجام داد و باعث شد که پروژه ای به نام پروژه خوابگاه ۱۵ خرداد برای اولین بار در سطح کشور در دانشگاه اراک کلنگ زنی شود و آن پروژه هم تا چند ماه آینده به بهره برداری خواهد رسید.

اینها اتفاقات خوبی است که در بحث های عمرانی افتاد. البته پروژه هایی در دانشگاه داشتیم که این پروژه ها مدت هاست مانند تخت جمشید نیمه کاره باقی مانده اند و سعی کردیم برای این پروژه ها هم



سلف دانشجویی، استخر و مسجد هم تازه شروع به فعالیت کرده بودند. باقی اتفاقات پیگیری شد، ساختمان اداری دانشگاه از طریق وامی که دانشگاه دریافت کرد و انجا را تکمیل کرد، انجام شد. سلف زیتون و پروژه هایی که به نوعی متوقف شده بودند مثل پروژه کتابخانه و پروژه کشاورزی و مانند این ها، پروژه هایی بودند که پول شان تامین شد و

اعتبار بگیریم ولی چون اعتبار آن ها از درآمد اختصاصی بوده است، سخت بود ولی با کمکی که دوستان در حوزه های برنامه و بودجه انجام دادند و پیگیری های دکتر حمیدی و حوزه ما باعث شد که این پروژه ساختمان کلاس ها هم به ردیف دولتی وصل شود و ما بتوانیم از این ردیف طی یکی دو سال آینده ساختمان کلاس ها را هم بهره برداری کنیم.



ساختمان علوم انسانی در پردیس...

برای علوم انسانی هنوز موفق نشدیم که اعتبار دولتی بگیریم ولی پیگیر آن هم هستیم در حالی که مجوز ماده ۲۳ را خیلی راحت به ما نمی دهند.

مهم ترین اتفاق در بین پروژه های معاونت اداری و مالی...

به نظر من اتفاق خیلی مهم تری که در حوزه ما افتاد که البته با کمک دوستانمان در حوزه محیط زیست بود این بود که دانشگاه در حوزه مدیریت سبز در بین دانشگاه های کشور، جایگاه خود را پیدا کرد و ثاباً ظرف مدت کوتاهی رتبه های شگف انگیزی را هم کسب کرد. از همه این ها بهتر و مهم تر، نوید و اتفاقاتی است که در سال آینده در دانشگاه وجود خواهد داشت، طراحی کالبدی فضای سبز دانشگاه است که توسط دوستانمان در گروه محیط زیست در حال انجام است و به همین منظور محوطه سازی خوبی در نظر گرفته ایم.

هدف از برنامه های عمرانی سردشت ...

هدف اصلی در بحث های عمرانی تحول سایت سردشت و تبدیل

این سایت به یک سایت جامع دانشگاهی که همه ی فضاهای آموزشی، خدمات، رفاهی و فرهنگی را داشته باشد که به تدریج این خدمات در دانشگاه ایجاد می شود. ما سعی کرده ایم از فضا های پرت دانشگاه برای این فضا سازی استفاده کنیم مثل پوشش سقفهایی در حیاط خلوت فنی و علوم پایه، اسپیس فریم هایی که زده شد در همین راستا بود که این فضاها به عنوان فضایی مفرح برای دانشجویها و حتی سمینارها قابل استفاده است. باقی فضاها نیز در دانشکده فنی در حال مدیریت است تا از این فضاها نیز استفاده بهینه صورت پذیرد.

توانستیم برای دانشکده کشاورزی و علوم ورزشی هم که مشکل شدیدی در حوزه کلاس داشتند، فضای خوبی را اختصاص دهیم. این فضا در مهمان سرای قدیم دانشگاه یا اداری قدیم دانشگاه می باشد و در واقع آنجا تجهیز شده و طی چند روز آینده اساتید دانشکده علوم ورزشی به آن سایت منتقل می شوند.





مهری اخوان ملایری

استاد تمام گروه ریاضی دانشگاه الزهرا

دانش آموخته رشته ریاضی از دانشگاه اراک



دانشگاه من

و به جهاد سازندگی اراک پیوستم. این مسئله در زمره ی مهمترین تجربیات زندگی من محسوب می شود. راستش را بخواهید وقتی در کانادا، مقطع دکتری را سپری می کردم و حتی تا به امروز هرگاه پیشنهاد کاری در خارج از کشور به من می شد خطرات و تجربه خدمت در جهاد مرا پایبند کشورم می سازد. احساس می کنم بهترین مردم دنیا را در کشورمان داریم که خدمت رسانی به آنها، بهترین انتخاب است. به یاری خدا، طول دوره کارشناسی ام سه سال و یک تابستان بود که با رتبه اول آنرا به پایان رساندم و از زمانی که دیپلم گرفتم تا پایان دوره کارشناسی در مقاطع مختلف دبستان تا دبیرستان چند روز در هفته در اراک تدریس می کردم که تجربه های خوبی را برایم رقم زد. دوره کارشناسی ارشد را در دانشگاه تربیت مدرس در گرایش جبر گذراندم که از نظر علمی و فرهنگی فضایی بسیار

اینجانب مهری اخوان ملایری در سال ۱۳۴۰ در اراک متولد شدم؛ والدینم بسیار با محبت بودند و به تحصیلات فرزندانشان بسیار اهمیت می دادند و این امر عامل مهمی در دستیابی موفقیت های آتی من شد. دوران ابتدایی ام در دبستان رازی سپری شد و پس از آن در دبیرستان ایراندخت مشغول تحصیل شدم که اواخر آن با پیروزی انقلاب اسلامی همزمان بود.

در کنکور رتبه خوبی را کسب نمودم اما با توجه به اینکه پدر و مادرم بسیار علاقه مند بودند که در اراک ادامه تحصیل دهم رشته ریاضی محض اراک را به عنوان اولین انتخاب در نظر گرفتم که البته بعدها پشیمان هم نشدم. زیرا در وهله اول بودن در کنار خانواده به من آرامش و امکانات خاصی را می داد بعلاوه آرامش پدر و مادرم را نیز به همراه داشت و دوم اینکه در دانشگاه اراک که در آن زمان دانشکده علوم اراک نامیده می شد توانستم از وجود اساتید مجرب و دلسوزی بهره مند شوم که این دو امر در پیشرفت من بسیار مؤثر بود.

در سال ۱۳۵۸ دوره کارشناسی را شروع نمودم و در نیمسال دوم دوره کارشناسی انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها شکل گرفت و دانشگاه تعطیل شد که این فرصت بسیار خوبی را برای دانشجویان ایجاد نمود که بتوانند همراه با نهادهای انقلابی که تازه شکل گرفته بودند به مناطق محروم کشور خدمت کنند، من هم از این فرصت استفاده کردم





و پژوهش مشترک با بعضی از اساتید، همکاری داشتیم. از سال ۱۳۷۶ تا کنون عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س) بوده و در درس و پایان نامه ها در زمینه نظریه گروه ها در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری همکاری دارم. ضمن اینکه وظیفه خود را تدریس و معلمی می دانم اما امر پژوهش را در کنار آن حیاتی می دانم که پژوهش در رشته ما، از جمله پژوهش های بنیادی است و نیاز دارد وقت زیادی صرف آن شود. مقالات من و دانشجویانم در زمینه نظریات گروه هاست.

چهره موفق دانشگاه...

از اینکه شما مرا یک چهره موفق می دانید، سپاسگزارم، امیدوارم اینگونه باشد و بتوانم مؤثر واقع شوم. احساس می کنم اولین عامل موفقیت من این است که اعتماد قلبی به راهم دارم که با توجه، تقرب و توکل به خدا و توسل به اهل بیت (ع) می توان به خوبی باتمام کارهای دشوار مواجه شد. که این اعتماد قلبی همواره مرا به پیش برده است. قبل از ازدواج خانواده و پس از آن همسر، همکاری هایشان، محبت های بی دریغشان و اهمیتی که به مسئله تحصیل ام می دادند، عامل محرکه قوی برای من بود. نقش اساتید و معلمین دلسوز در دوران تحصیلم در مقاطع مختلف بسیار اساسی بوده است که من همیشه دعاگوی آنها هستم. به علاوه اهمیت دادن به ورزش و نیز پشتکار زیاد و سخت کوشی همواره کمکی برای من بوده است.

مساعد داشت. استاد راهنمای این دوره من، جناب آقای دکتر ذاکری بودند که در موفقیت من نقش به سزایی داشتند. در سال ۱۳۶۸ بعد از اتمام دوره کارشناسی ارشد ازدواج کردم و چون همسر در امریکا مشغول به تحصیل بودند به همراه ایشان به امریکا رفتم. لازم به ذکر است که در نیمسال آخر سال ۱۳۶۸ امتحان اعزام به خارج را داده بودم که بعد از حدود یکسال و اندی نتیجه آن اعلام شد و من در اعزام قبول شده بودم. البته در امریکا یک ترم درس را شروع کرده بودم ولی بورسی که به من تعلق گرفته بود اجازه ادامه تحصیل در امریکا را به من نمی داد به همین علت به دانشگاه آبرتا در کانادا عزیمت کردم و طول دوران دکترای من چهار و نیم سال بود که در نظریه گروه‌ها، تحت راهنمایی پروفسور A.A. Rhemtalln که از جمله اساتید برجسته در نظریه گروه ها به شمار می آیند، پایان نامه خود را نوشتم. ایشان نیز در موفقیت من بی تأثیر نبودند. البته زمانی که در آبرتا دانشجوی بودم، تقاضای همکاری از طرف چند دانشگاه در تهران را داشتم که بعد از اتمام دکتری به ایران بازگشتم و دانشگاه الزهراء(س) را انتخاب کردم و به اینکه عضو هیئت علمی این دانشگاه می باشم افتخار می کنم.

از سال ۱۳۵۸ که دیپلم گرفتم تا کنون در مقاطع مختلف تدریس داشته ام. در دوران تحصیل در آلبریا، از سال دوم به بعد در امر آموزش





چون معلم منشاء تمام تحولات و تعالی های انسان و جامعه است. یک استاد در مرحله اول نیاز به تعالی روحی، اعتقادی و اخلاقی دارد تا بتواند انسان مقرب الهی را پرورش دهد که علاوه بر اینکه فردی متخصص است، رفتارهای بامشادینی هم داشته باشد.

راهنمایی دانشجویان...

امکاناتی در اختیار ما گذاشته شده که فرصت به فعلیت در آوردن استعدادهای گوناگون دانشجویان را فراهم نموده است. به همین دلیل باید آمادگی کامل علمی داشته باشیم و طبق برنامه ای دقیق و هدفدار امر هدایت علمی دانشجویان را به خوبی محقق سازیم. به روز بودن اطلاعات استاد مهمترین اصل و ویژگی برای استاد به شمار می آید. علاوه بر بعد تعالی روحی و اعتقادی و بعد تخصصی استاد، عشق ورزیدن به دانشجویان، احترام و تکریم آنها، برانگیختن اراده و اعتماد به نفس آنها، ایجاد حس مثبت اندیشی و امید در دانشجویان و ایجاد علاقه به وطن و خدمت به آن از نقش های اساسی استاد است. به بیانی دیگر برای استاد همراه و همسفر شدن با دانشجویان به عنوان فردی که آنها را دوست دارد و برایش عزیز می باشند، همراه با صبر و حوصله بسیار مهم است و استاد نباید به تحولات جامعه در ابعاد مختلف بی تفاوت

باشد. امیدوارم ما بتوانیم دانشجویان را به منزلت واقعی آنان هدایت کنیم و به آنها یاد دهیم که فرد مهمی باشند و هر روز به این مسئله توجه کنند.

نقش معلمی ...

ساده ترین بخش کار ما انتقال علم است و موارد دیگری که در جملات قبلی از آن ها یاد کردم بسیار سخت تر است و بخش انتقال علم ساده تر و بطور مستقیم به دانشجو انتقال می یابد اما بخش های دیگر به طور غیر مستقیم و آگاهانه به عنوان یک تعهد شغلی و رسالت از طرف استاد تحقق می یابد. کار ما با صنعت فرق دارد. امیدوارم بتوانیم نقش خود را درست انجام دهیم یعنی بتوانیم افراد متعهد، متخصص، شاداب و با روحیه بالا که آماده خدمت به وطن می باشند را تحویل جامعه دهیم. مواردی که در بالا ذکر شد را به عنوان آنچه باید باشد مطرح کردم که امیدوارم خودم هم پایبند آن ها باشم. دانشجویان نیز در مرحله اول باید به تعالی روحی، اعتقادی و اخلاقی خود توجه داشته باشند. خودشناسی، مثبت اندیشی و امید داری بسیار مهم است. دانشجویان توجه داشته باشند که برای ما مهم می باشند و توانایی بی انتهای برای علم آموزی دارند و باید استعداد های خود را کشف کنند. مهم این نیست که گاهی نتایج آنچه نمی شود که انتظار دارید چون هنوز شما توان دارید برای اینکه نتایج آینده





زحمات و توجهات را جبران کنم.

مطالعه کتبی که در زمینه های غیر ریاضی می باشند از تفریحات من است. به کوهنوردی، پیاده روی و شنا علاقه مند. به طور تقریبی هر روز پیاده روی می کنم. مسئله اهمیت دادن به ورزش نه تنها در سلامت جسمی بلکه در پیشرفت کار فکری، ایجاد تمرکز، ایجاد آرامش و حس مثبت اندیشی در من کمک می کند.

خواهشمند است با دانشجویان ارتباط بسیار نزدیک داشته باشید، خودتان را به جای آنها بگذارید و به نیازهای آنها اهمیت بدهید و به دانشجویان توجه دهید که چقدر برای ما مهم اند. در مسائل اجتماعی موضع گیری کنید. در ایجاد امید، نشان دادن قله های علمی و در ایجاد دانشگاهی معنوی و پاک قدم بردارید. امیدوارم موفق باشید.

در پایان...

نکته اول: در توضیحاتی که گفته شد جز اساتید راهنمای پایان نامه هایم، نام استادی را ذکر ننمودم. زیرا احساس می کنم نه تنها، تک تک اساتید، بلکه کلیه افرادی که به نحوی در طول تحصیلات خود از خدماتشان بهره بردم در پیشرفت من مؤثر بوده اند و نمی خواهم با نام بردن تعدادی بقیه جا بمانند. همیشه دعاگویشان می-باشم.

نکته دوم: به اراک بسیار علاقه مند. امیدوارم زمانی بتوانم به همشهری هایم خدمت کنم.

نکته سوم: از شما سپاس گزارم که مرا انتخاب کردید و به حرف هایم که از قلبم و عشق به میهن اسلامی مان بر می خواست، گوش دادید.

با احترام و سپاس مجدد

را بهبود ببخشید. هر تلاش جدید، نتیجه جدیدی را خلق خواهد کرد. ایمان داشته باشیم که می خواهیم و می توانیم. هیچکس بدون شکست نبوده است. هدف را مشخص کنید و طبق برنامه مناسب پیش بروید. به دنبال قله های علم باشید و امید را در خود زنده نگه دارید. اجازه ندهید انگیزه و امیدتان ضعیف شود. در زمان های مورد نیاز گامهای اصلاحی را بردارید. به همراهی افراد اطراف خود که شبکه ای انسانی از اعضای خانواده، اساتید و یا دوستانتان می باشند نیاز دارید. سعی نکنید نقش آنها را از بین ببرید یا کمرنگ کنید. به مسائل اجتماعی حساس باشید و محیط دانشگاه را از نظر علمی در سطح بالا و از نظر معنوی و اخلاقی پاکیزه نگه دارید. مراقب به نوع استفاده از سایت ها، اینترنت و باشید. ورزش را فراموش نکنید. صبور باشید و با قدم های محکم و استوار به پیش روید و بهترین محل برای خدمت را میهن عزیزمان بدانید.

همانطور که در ابتدا هم بیان نمودم، انقلاب فرهنگی از خاطرات شیرین من در آن دوران است. چون این امر بعدها نه تنها منشاء تحولات عظیمی در دانشگاه ها شد، بلکه فرصتی ایجاد کرد که ما را از مدرسه و لای کتاب ها به متن واقعی جامعه و مناطق محروم کشاند و حل (مسائل و مشکلات جامعه) به عنوان یکی از دغدغه های اصلی ذهنمان شد. البته وقتی در مورد دانشگاه اراک فکر می کنم، چهره مصمم و پر انرژی، دلسوز و مهربان اساتید و کارمندان آن دانشگاه که با تمام توان خود و با احترام به ما کمک می کردند در ذهنم نقش می بندد که از زیبا ترین سرمایه ها و خاطرات من است. امیدوارم در آینده فرصتی را بیابم که بتوانم گوشه-ای از آن





یداله اردوخوانی متولد ۱۳۳۷ تفرش

معاون پژوهش دانشگاه الزهرا

استاد تمام گروه ریاضی دانشگاه الزهرا

دانش آموخته رشته ریاضی دانشگاه اراک

دوران مدرسه و دانشگاه را چطور و در چه شهر هایی سپری کردید؟
دوران دبستان و متوسطه در تفرش بودم. در سال ۱۳۵۵ در رشته ریاضی دانشگاه اراک (مدرسه عالی علوم اراک) مشغول به تحصیل شدم. فوق لیسانس را از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری هم از دانشگاه صنعتی امیرکبیر اخذ کردم.

در چه سالی فارغ التحصیل شدید؟
تابستان سال ۱۳۶۱. در پاییز ۵۷ به مدت یک ترم با تعطیلی دانشگاه مواجه شدیم و حدود یک سال و نیم هم انقلاب فرهنگی را داشتیم که سال ۵۹ انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها اتفاق افتاد.

چطور شد که به عنوان هیئت علمی به دانشگاه اراک آمدید؟
با دانشگاه اراک آشنایی کافی داشتم و از سال ۶۶ به عنوان هیئت علمی (استفاده کننده از طرح سربازی) آمدم و بعد از ۴ سال استخدام هم شدم و تا سال ۸۳ که به دانشگاه الزهرا منتقل شدم در دانشگاه اراک بودم. از مدیریت ها و مسئولیت هایتان بگویید؟

بنده کار اجرایی، زیاد انجام دادم. در دانشگاه اراک حدود ۴ سال معاون دانشگاه بودم و در دانشگاه الزهرا، مدیر گروه ریاضی، رئیس دانشکده علوم پایه، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی بودم، و بعد از آن حدود ۵، ۶ سالی در بنیاد ملی نخبگان بودم که حدود ۳ سال معاون اداری و مالی و همچنین رئیس بنیاد ملی نخبگان و در حال حاضر معاون پژوهش دانشگاه الزهرا هستم. در این فاصله ها در خود دانشگاه الزهرا حدود ۵، ۶ سال دبیر هیئت ممیزه بودم.

چه سالی به عنوان معاون مالی و اداری دانشگاه اراک بودید؟
سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ در زمان ریاست دکتر طاهری زاده.

چه اتفاقاتی در این زمان ها رخ داده؟
سال ۱۳۶۸ اسم دانشگاه به تربیت معلم اراک تغییر کرد و بعد از آن در زمان آقای طاهری زاده دانشگاه تربیت معلم شد دانشگاه اراک.

وقتی من معاون اداری و مالی بودم مطالعات اولیه فاز ۳ دانشگاه اراک مورد تصویب سازمان برنامه و بودجه قرار گرفت و همین وضعیت فعلی که الان هست. درواقع تمام مطالعات انجام شد و به عنوان طرح جامع دانشگاه اراک تصویب شد. مقابل دانشگاه، کنار رودخانه خیابانی می خواستند تعریف بکنند و با مقاومت دانشگاه، تعریض کمتر شد و دانشگاه با مشکل مواجه نشد.

از سال ۱۳۵۵ که دانشجو بودید از آن زمان توضیح بدید؟



(۴) محاسبات عددی

(۵) یک فصل از کتاب

Topics in Integral and Integro-Differential Equations: Theory and Applications

(ح) هدایت و مشاوره رساله دانشجویان دکتری و پایان نامه دانشجویان

کارشناسی ارشد

(۱) هدایت رساله دکتری تخصصی: ۱۰

(۲) هدایت پایان نامه کارشناسی ارشد: ۵۸

(۳) مشاوره پایان نامه کارشناسی ارشد: ۱۸

خدمات علمی و اجرایی

۱- مدیر گروه ریاضی دانشگاه الزهراء(س)

۲- رئیس دانشکده علوم پایه دانشگاه الزهراء(س)

۳- معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه الزهراء(س) از

۸۵/۷/۱۱ تا تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۴

۴- معاون اداری و مالی دانشگاه اراک به مدت ۴ سال

۵- عضو هیات تحریریه مجله علوم پایه دانشگاه الزهراء(س) از تاریخ

۸۴/۱/۲۹ الی پایان سال ۱۳۸۷

۶- عضو شورای نظارت و ارزیابی دانشگاه اراک سالهای ۸۰ و ۸۱

۷- عضو کمیته تخصصی گروه ریاضی دانشگاه اراک از تاریخ

۷۸/۷/۹ الی ۸۳/۱۰/۳۰

۸- عضو کمیته جذب و گسترش گروه ریاضی دانشگاه الزهراء(س) از

تاریخ ۸۴/۱۱/۱۵ تا ۱۳۹۱/۷/۱

۹- عضو کمیته تحصیلات تکمیلی گروه ریاضی دانشگاه الزهراء(س)

از تاریخ ۸۲/۷/۱ تاکنون

۱۰- عضو هیات ممیزه دوره سوم دانشگاه الزهراء(س)

۱۱- دبیر هیات ممیزه دوره سوم دانشگاه الزهراء(س) و رئیس

کمیسیون های تخصصی مربوط

۱۲- عضو هیات ممیزه دوره چهارم دانشگاه الزهراء(س)

۱۳- دبیر هیات ممیزه دوره چهارم دانشگاه الزهراء(س) و رئیس

کمیسیون های تخصصی مربوط

۱۴- سرپرست دانشکده هنر دانشگاه الزهراء(س) از تاریخ ۸۷/۱/۲۰

الی ۸۷/۸/۲۰

۱۵- نماینده تام الختیار دانشگاه الزهراء(س) در برگزاری کلیه آزمون ها

سال ۵۵ که شروع به تحصیل کردیم تا ۵۶ همه چیز آرام بود اما از سال ۵۷ انقلاب به همه جا سرایت کرده بود و به نظر من مدرسه عالی علوم اراک در آن زمان سیاسی ترین و موثرترین سازمان بود و دانشجوی ها فعالیت سیاسی خودشان را داشتند و در تظاهرات شرکت می کردند و فعال بودند، انقلاب که تمام شد همه به کلاس و درس برگشتند تا انقلاب فرهنگی در مرداد ماه سال ۵۹ اتفاق افتاد و دانشگاه تعطیل شد و ما به شهر خودمان برگشتیم تا دانشگاه باز شد.

از اعضا و دانشجویان آن زمان کسی را بخاطر دارید؟

دکتر علیمحمدی که الان استاد دانشگاه اراک هستند، دکتر مرزبان الان استاد دانشگاه صنعتی اصفهان، دکتر اسماعیلی در دانشگاه صنعتی اصفهان مشغول اند. این سه بزرگوار را اطلاع دارم.

چه شد که از دانشگاه اراک به دانشگاه الزهراء آمدید؟

بهمن ۱۳۷۴ آمدم دانشگاه امیرکبیر. زمانی که فارغ التحصیل شدم شرایط زندگی هم تغییر کرد که باعث شد درخواست انتقال به دانشگاه الزهراء را بدهم، ۳ سال طول کشید تا موافقت نهایی شد.

در رابطه با دانشگاه اراک از سال ۵۵ تا سال ۸۳ چه دیدگاه و نظری دارید؟

رشد قابل چشم گیری داشته، مدرسه عالی علوم اراک، شد دانشگاه تربیت معلم و بعد دانشگاه اراک، پردیس جدید و دانشکده ها ساخته شد و یک رشد قابل چشمگیری داشته.

برخی از فعالیتهای آموزشی:

تدریس دروس مختلف در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکترا

(ب) افتخارات

الف- پژوهشگر منتخب دانشگاه در سالهای ۹۱ الی ۹۹

ب- دارای مقاله پر استناد در سالهای ۲۰۱۷ الی ۲۰۲۱

ج- دانشمند پراستناد یک درصد ریاضی جهان در سال ۲۰۲۱

چ- مقالات کامل چاپ شده در کنفرانسها: ۴۲

ح- طرحهای تحقیقاتی اجرا شده: ۱۵

خ- هسته های پژوهشی اجرا شده: ۴

(و) تألیف و ویراستاری کتاب:

(۱) مؤلف ریاضی ۲ (حساب دیفرانسیل و انتگرال توابع دو متغیره)

(۲) ویراستار علمی کتاب محاسبات عددی

(۳) ریاضی مهندسی



از تاریخ ۸۵/۱۱/۱ تا تاریخ ۹۱/۳/۲۴ (آزمون های سراسری کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری، پیام نور و دانشگاه علمی کاربردی)

۱۶- عضو کمیته علمی هفدهمین سمینار آنالیز ریاضی و کاربردهای آن

۱۷- عضو انجمن ریاضی ایران از سال ۱۳۶۶ تاکنون

۱۸- رئیس کمیته علمی ستاد برگزاری نمایشگاه جامع دستاوردهای ۳۰ ساله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در دانشگاه الزهراء در سال ۱۳۸۷

۱۹- عضو هیات اجرایی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه الزهراء(س) در دوره اول

۲۰- دبیر هیات اجرایی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه الزهراء(س) در دوره اول

۲۱- عضو کمیته سیاستگذاری کنفرانس سرمایه فکری دانشگاه زنجان (مهر ماه ۱۳۸۷)

۲۲- عضو کمیته علمی کنفرانس سرمایه فکری دانشگاه زنجان (مهر ماه ۱۳۸۷)

۲۳- عضو هیات ممیزه دوره پنجم دانشگاه الزهراء(س) تا تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۴

۲۴- دبیر هیات ممیزه دوره پنجم دانشگاه الزهراء(س) و رئیس کمیسیون های تخصصی مربوط تا تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۴

- ۲۵- عضو کارگروه اعتبار پژوهشی دانشگاه الزهراء(س) تا تاریخ ۹۱/۰۷/۱
- ۲۶- عضو کمیته بهره وری و تحول اداری دانشگاه الزهراء(س) تا تاریخ ۹۱/۰۷/۱
- ۲۷- عضو کمیسیون تخصصی فرهنگی هیات ممیزه دوره پنجم دانشگاه الزهراء(س) از تاریخ ۱۳۹۰/۷/۱۶ تا تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۴
- ۲۸- عضو هیات اجرایی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه الزهراء(س) در دوره دوم تا تاریخ ۹۱/۰۸/۱
- ۲۹- دبیر هیات اجرایی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه الزهراء(س) در دوره دوم تا تاریخ ۱۳۹۱/۳/۸
- ۳۰- مدیر کل پژوهش و برنامه ریزی سرآمدان بنیاد ملی نخبگان از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۱ تا ۱۳۹۱/۸/۸
- ۳۱- عضو کمیته ترفیع و ارتقاء گروه ریاضی از تاریخ ۱۳۹۱/۷/۱ تا کنون
- ۳۲- معاون توسعه مدیریت و منابع بنیاد ملی نخبگان کشور از تاریخ ۱۳۹۱/۸/۸ تا ۱۳۹۴/۵/۱۳
- ۳۳- عضو شورای نخبگان کشور از تاریخ ۱۳۹۱/۸/۸ تا ۱۳۹۴/۵/۱۳
- ۳۴- عضو کمیسیون تخصصی آنالیز عددی انجمن ریاضی ایران (۱۳۹۲/۳/۱۶)
- ۳۵- عضو هیات امناء دانشگاه فخر رازی (از فروردین ماه ۱۳۹۴)
- ۳۶- مشاور رئیس بنیاد ملی نخبگان در امور مالی از تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۳ تا تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱
- ۳۷- رئیس بنیاد نخبگان استان تهران از تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۳ تا تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱
- ۳۸- رئیس شورای علمی نخبگان استان تهران از تاریخ ۹۴/۵/۱۷ تا تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱
- ۳۹- رئیس کمیته علمی پنجمین جشنواره ملی مخترعان دانشگاه آزاد اسلامی و هفتمین جشنواره رویش بنیادهای نخبگان البرز و تهران (سال ۱۳۹۴)
- ۴۰- عضو شورای سیاستگذاری پنجمین جشنواره ملی مخترعان دانشگاه آزاد اسلامی و هفتمین جشنواره رویش بنیادهای نخبگان البرز و تهران (سال ۱۳۹۴)
- ۴۱- عضو کارگروه تخصصی شناسایی دانش اموختگان برتر بنیاد



- ۵۴- عضو کمیته علمی بیست و سومین سمینار آنالیز ریاضی و کاربردهای آن (آبان ۱۳۹۷)
- ۵۵- استاد سرآمد آموزشی/ اردیبهشت ۱۳۹۸
- ۵۶- عضو کمیسیون تخصصی فنی و مهندسی دوره نهم هیات ممیزه دانشگاه
- ۵۷- عضو هیات ممیزه دوره نهم دانشگاه
- ۵۸- عضو هیات اجرایی جذب دانشگاه الزهرا از تاریخ ۹۸/۱۱/۲۱ به مدت ۴ سال
- ۵۹- عضو هیات ممیزه دوره دهم دانشگاه
- ۶۰- عضو کمیسیون تخصصی فنی و مهندسی دوره دهم هیات ممیزه دانشگاه

- ملی نخبگان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵
- ۴۲- نماینده انجمن ریاضی ایران در ششمین سمینار آنالیز عددی (سال ۱۳۹۵)
- ۴۳- رئیس جشنواره منطقه ای اختراعات و ابتکارات رویش دماوند(استانهای تهران، البرز، سمنان، مازندران و گلستان) بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۶
- ۴۴- عضو کارگروه تخصصی شناسایی دانش امویان برتر بنیاد ملی نخبگان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ تا کنون
- ۴۵- عضو کارگروه نظام وظیفه دانشگاهی بنیاد ملی نخبگان در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ تا کنون
- ۴۶- عضو کمیته علمی کنفرانس ترکیبیات، رمزنگاری و محاسبات (شهریور ۹۴)
- ۴۷- عضو اتاق فکر و شورای مشورتی دانشگاه الزهرا(س)
- ۴۸- عضو هیات تحریریه مجله پژوهش های ریاضی دانشگاه خوارزمی(از زمستان ۱۳۹۵)
- ۴۹- عضو کمیسیون تخصصی گروه فنی و مهندسی هشتمین دوره هیات ممیزه دانشگاه الزهرا(س) از تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱
- ۵۰- معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه از تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۰۶
- ۵۱- عضو هیات ممیزه دوره هشتم دانشگاه
- ۵۲- عضو کارگروه شناسایی دانش امویان برتر بنیاد ملی نخبگان از تاریخ ۱۳۹۶ ۰۳ ۱۱
- ۵۳- استاد سرآمد آموزشی/ اردیبهشت ۱۳۹۷



ابراهیم خوشی گفتار

نائب رئیس سندیکای برق ایران

دانش آموخته رشته ادبیات فارسی دانشگاه اراک

سال ۵۷ تا ۶۵



در سال ۱۳۳۷ در قم به دنیا آمدم و اصلاتی نایینی دارم. در کنکور دانشگاه رشته ادبیات را انتخاب کردم. و سال ۵۷ در دانشگاه اراک یا همان مدرسه عالی علوم رشته ادبیات فارسی قبول شدم و همان ابتدا عضو شورای دانشجویی شدم. ترم اولی که شروع کردیم بعد ۳۴ ماهی انقلاب شد و بعد با ۴، ۵ نفر، برای جهاد به شهر خنداب رفتیم.

با انقلاب فرهنگی در ۱۰ مرداد ۵۹ من به سپاه رفتم و سه ماه بعد عضو شورای قم شدم تا سال ۶۱ دانشگاه ها باز شد و من به دانشگاه نیامدم و به سپاه رفتم. فقط برای امتحان به دانشگاه میامدم. حدود ۱۰ ماه قائم مقام حفاظت شخصی سپاه بودم و سپس دفتر تعریف و بازرسی سپاه بودم تا سال ۶۴ که نیروهای سپاه راه افتاد و رفتم نیرو هوایی و عضو نیرو هوایی بودم تا پایان جنگ. و اواخر سال ۶۹ از نیرو هوایی بیرون آمدم و به پیشنهاد عبدالله نوری به استانداری مازندران رفتم و به دلیل سیاسی بودن آنجا، علاقه به ماندن در آنجا نداشتم. در یک جلسه آقای خواجهوی یکی از دوستان آقای نوری به ما گفت بیا وزارت نیرو و ما رفتیم پیش آقای زنگنه و به ما گفت که تو رشته به ما نمی خوره ولی آقای خواجهوی گفتند که بیایی.

تا الان مرتب با وزارت نیرو هستم ولی کارمند دولت نیستم. در تاسیس سد سازی بودم و بعد از آن، نیرو به پیشنهاد آقای زنگنه آمدم به شرکتی به نام سرمایه، که مادر شرکت های وزارت نیرو بود.

در تاسیس شرکت مپنا نقش داشتیم. در ساخت وزارت نیرو جزو کوچک ترین نیرو ها بودم که مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری ساتا شدم که ۵۱ درصد فرا را داشت، مپنا را داشت، و عموما شرکت های غیر دولتی را داشت. این مجموعه تا سال ۸۲ حدود ۸۰ درصد تجهیزات برقی را داخلی کرد و ما شرکت های مهندسی طراحی، راه انداختیم چون نرم افزار در کشور نبود و من کارمند مپنا شدم تا اواخر سال ۸۴ که یکی از شرکت هایی که درست شد و کار بزرگی کرد پارسیان پستاست که از سال ۷۳ تا ۸۵ آنجا به عنوان هیئت رئیسه بودم که بیش از ۳۰۰ پرو کار کردیم و عموما ساخت داخلی شد.

سال ۶۶ تا ۶۵ که دانشگاهم تمام شد فوق لیسانسم را مدیریت خوندم. ۲ سال با وزارت نیرو مذاکره می کردم که مشخصات کنتور به چه صورت باشد و بعد از مشخص شدن، دولت عوض شد و آقای فتاح وزیر نیرو شد. و رفتیم نصب کردیم و پول برق یکسری آمد فرضا ۳۰۰ هزار



آوردیم و آن موقع با ۴،۵ میلیون دلار رقتیم یک خط نبرد نبشی هم در آونگان راه انداختیم تا سال ۸۷ به آقای جعفری فروختند و اتفاقاتی نظیر تعطیلی و .. افتاد.

مسئولیت ها:

دانشگاه اراک که بودیم با آقای متقیان در کوچه آبشار خانه ای داشتیم.

در شورای سپاه قم بودم. دفتر تحقیق و بازرسی (انتخاب فرماندهان) بودم. نیروی هوایی سپاه سه چهار روزی در وزارت دفاع بعد از آن رفتم وزارت نیرو. در سال ۷۰ که آمدم وزارت نیرو متوجه شدم که روحیه کارمند دولتی را ندارم و در سال ۷۳ به طور کامل از وزارت نیرو و دولت بیرون آمدم و شرط آقای زنگنه این بود که در شرکت های اقماری وزارت نیرو کار کنی. قبل از مپنا یک شرکت داشتیم به نام شرکت پارسیان که پست های فشار قوی به کل کشور می داد.

پارسیان، آونگان، شرکت تجهیزات برقی، فراغ، قدیر، مپنا شرکت هایی که بود که در آنها نقش داشتم.

در بخش آب و برق کشور هیچ کاری نشده، به دلیل اینکه به اقتصاد ملی توجهی نداریم کاری نشده است و درسته که تولید می شود و ربطی به تحریم ندارد و ما به دلیل عدم توجهمان به اقتصاد و ثروت ملی سرمایه عظیمی را هدر می دهیم.

در حال حاضر عضو هیئت مدیره شرکت آذر آب و نائب رئیس سندیکای برق ایران هستیم.

در بخش آب هدر روی و مصرف بی رویه آب بسیار است و توجهی به آن نمی شود و اگر ادامه بدهیم در هر دو موضوع بحران عظیمی تا ده سال آینده خواهیم داشت.

امیدوارم همه دست به دست هم بدهیم و مشکلات را حل کنیم.

تومان و نشد جا بیندازیم قدرت سیو کردنش سخت هست و وجود ندارد و هرچه مصرف کمتر باشد خاموش می شود و اینکار را کردم و جواب نداد. علت قطع برق این روزها به دلیل افزایش مصرف می شود و روی ۵۰ هرتز باشد و چون نمی توانند روی ۵۰ نگه دارند به میزانی که بالا می رود خاموش می شود و خاموشی هم خیلی به نفع دولت نیست. چیزی که من محاسبه کردم امسال چیزی به حدود ۱۲ هزار مگابایت ضرر اقتصادی کردیم، سیمان تولید نکردیم فولاد تولید نکردیم و... موسسه ی قدیر را که راه انداختم ۴،۵ نیروگاه در آن ساختم و جزو اولین شرکت های تولید برق کشور شد و در سال ۹۶ از شرکت قدیر هم بازنشسته شدم. در سال ۱۳۷۳ آونگان یک شرکت ضعیف بود که هرکجا گیر می کردند می رفتم. آقای زنگنه هر سه شنبه جلسه پروژه می گذاشتند. آن زمان مشکلات برق بسیار بود و من کمک بسیار بزرگی برایشان بودم. روزی تماس گرفتند که بیا. جلسه توانیر بود. گفتند: برو آونگان مشکل دارد آونگان را بخر.

از همانجا زنگ زدیم به توانیر گفتیم آونگان را با چه مبلغی به فروش گذاشتید؟ گفت: ۶۴۰ میلیون تومان که آن زمان پول زیادی بود.

به آقای زنگنه گفتیم که ۶۰ میلیون نیاز دارم که ده درصد را بدهم و باقیش با خودم هست. در مرداد یا شهریور بود که به سازمان گسترش رفتم و به آقای حاتم که مدیر سازمان گسترش بود گفتیم آونگان را یا بفروش، یا بخر، یا یکی رقیب آن را می سازم. پس از کش و قوس آقای حاتم گفت که می فروشیم. گفتیم برسم دفتر نامه می زنم و می خرم و این کار را کردم و آونگان خریداری شد و همه قسط هایش را خودش داد و جمع شد و کارخانه راه افتاد و هیچ پروژه ای عقب نبود. مدیر عاملش آقای سبحانی بود که الان رئیس آذر آب هستند.

تا زمانی که آنجا بودیم اولین مشکلمان نبشی بود که باید از خارج می



شنیدنیهای مهندس صورتگر راجع به توسعه ی اراضی دانشگاه از اوایل دهه هفتاد تاکنون

دکتر قریب حسب دورانیشی و بلندنظری که داشتند در سالهای ۵۰ تا ۵۱ همزمان با راهاندازی پردیس قدیم (داخل شهر) ۱۰ هکتار زمین از سر جنگلداری وقت در منطقه سردشت اراک در جناح غربی زمین فعلی در حوالی چشمه آب بالادست، برای طرح توسعه دانشگاه گرفته و برای این منطقه طرح جامع ۹ جلدی با نقشه جانمایی توسط مهندسین مشاور گروه چهار تهیه می کند که ابزاری را که پس از دولتی شدن این دانشگاه و واگذاری آن به دانشگاه تربیت معلم تهران (خوارزمی فعلی) موضوع مسکوت می ماند پس از انقلاب فرهنگی و گشایش دانشگاهها و جنگ تحمیلی در سال ۶۸ دانشگاه به فکر توسعه می افتد که برای این منظور به منطقه سردشت مراجعه و با توجه به رسالت جدید دانشگاه با مهندسین مشاور معماری محیط عقد قرارداد و مجدداً طرح جامع جدید را کلید می زنند که تا ۹۰ درصد همین طرح جامع فعلی است و در پیامد این موضوع دانشگاه طرحی تحت عنوان احداث و تجهیز دانشگاه اراک در ردیفهای بودجه خود تعریف نمود و در سال ۱۳۷۲ اولین کلنگ دانشگاه اراک در منطقه سردشت توسط وزیر محترم وقت آقای دکتر معین به زمین زده شد اما بعلت عدم پیگیری موضوع این طرح مسکوت و فقط ۱ پروژه از مجموع پروژههای این طرح به نام احداث و تجهیز دانشکده علوم پایه در کنار ۳ پرونده از ۳ دانشگاه دیگر در ردیف اعتباری مجزا در اختیار وزارت علوم قرار گرفت اما در همین اثنا موضوع تغییر زمین محل احداث پیش آمد مسئولین استان به فکر معرفی زمین جدید افتادند و از مهندس مجیدی معاونت وقت امور عمرانی استانداری و معتقد بودند که ایشان برای دانشگاه لرستان ۱۴۰۰ هکتار زمین اختصاص داده و باید برای



فرهنگ صورتگر

مدیر عمرانی دانشگاه

تاریخ عمرانی دانشگاه ...





راه ورودی دانشگاه از جاده ی اصلی، که با کمک و پیشنهاد آقای پارچه طلب (معاون پشتیبانی وقت دانشگاه) زمین آقای اعلائی را خریدیم که الان همان زمین، ورودی اصلی دانشگاه است.

زمان آقای دکتر مختاری رییس وقت دانشگاه، و معاونت آقای پارچه طلب ۳ کار اساسی انجام شد: اول، خرید زمین آقای اعلائی جهت ورودی سردشت، دوم، خرید ساختمان پروفیسور حسابی از فرزند آقای خاکباز (که آن زمان در اجاره دانشگاه بود) و اکنون دانشکده هنر می باشد، و خرید مزرعه دانشگاه با دست خالی و بدون اعتبار طی موافقتی که با مالک آقای دکتر احتشام زاده کردیم و زمین ۲۴۰ میلیون تومانی مزرعه را با ۸۰ تومان تخفیف به قیمت ۱۶۰ میلیون تومان خریداری نمودیم.

نکته ای بعنوان خاطره عرض کنم اینکه آقای دکتر معین (وزیر علوم وقت) زمانی که برای نامگذاری کتابخانه بنام دکتر قریب به اراک آمده بود (قبل از خرید مزرعه) آقای دکتر قریب را هم دعوت کرده بودند. آن موقع، دکتر قریب (به عنوان موسس و بانی دانشگاه) گفت که خواهشی دارد اینکه: رشته گیاهان دارویی هم در این دانشگاه تاسیس شود، که مورد قبول دکتر معین واقع و فوق دیپلم گیاهان دارویی با همت دکتر قریب به دانشگاه اراک آورده شد. حدود یکسال، یکسال و نیم بعد موضوع مزرعه پیش آمد و همین وجود رشته گیاهان دارویی مبنایی شد که آقای دکتر مختاری بحث ضرورت خرید مزرعه را به شکل قانونی مطرح کند.

سال ۷۷ ساخت دانشکده علوم پایه شروع شد و تا پایان دوره ریاست آقای مختاری، قریب به ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشت که آقای دکتر سلیمانی ریاست دانشگاه را پذیرفتند و از ابتدای کار، پاشنه ها را بالا کشید و خلاصه همه دانشگاه در زمان ایشان ساخته و تقریباً از سال ۸۴ هر سال یک پروژه افتتاح شد. به جز یکی دوتا پروژه مثل سالن آمفی تئاتر

دانشگاه اراک هم همان مقدار باشد چندین زمین معرفی شد مانند جاده خمین، جاده مرزيجران و جاده تهران اما نهایتاً بهترین گزینه همین زمین سردشت تشخیص داده شد که مقرر شد در همین زمین احداث انجام شود. سازمان برنامه و بودجه بودجه وقت طی بازدیدی که از اراک داشتند عنوان نمودند اعتبار منظور شده جهت دانشکده علوم پایه صرفاً برای احداث ساختمان است و درحالی که این سایت هیچ گونه تأسیسات زیربنایی آب برق گاز و جاده دسترسی ندارد لذا اگر این پروژه به تنهایی ساخته شود قابلیت بهره‌برداری ندارد. که پس از جلسات مکرر با مقامات استان نامه‌ای با امضاء استاندار محترم وقت آقای دانش منفرد نامه‌ای تهیه و استان تقبل کرد ۱۴ میلیارد ریال اعتبار جهت تامین تأسیسات زیربنایی در اختیار دانشگاه قرار دهد، که همین تعهد منجر به پذیرش سازمان برنامه و بودجه و نهایتاً آغاز طرح جامع در سایت سردشت گردید. در این فاصله ریاست دانشگاه (دکتر نادری) تغییر و آقای دکتر اصلانی به سمت ریاست دانشگاه انتخاب شد. با پیگیری مستمر از وزارت علوم مقدمات انتخاب پیمانکار فراهم و سپس همان سال مناقصه توسط وزارت علوم برگزار و شرکت نوگستر برنده مناقصه و در تاریخ ۰۷/۰۲/۱۳۷۷ عملیات اجرایی دانشکده علوم پایه آغاز گردید.

این ادامه پیدا کرد و دکتر اصلانی (بعد از حدود یک سال که رئیس دانشگاه بود) رفت و آقای دکتر تقی مختاری جانشین ایشان در مقام ریاست دانشگاه قرار گرفت. در دوران ایشان هم کار اجرایی ادامه پیدا کرد و دانشگاه نزدیک به دو سال اعتبار جهت پروژه نداشت. با اینحال پیمانکار خیلی خوب کار کرد، صورت وضعیت کرد، پول نگرفت ولی کار را خیلی خوب پیش برد و ساختمان دانشکده علوم پایه بالا آمد و ...، ولی ما در این زمینه مشکل اساسی دیگری که داشتیم، بحث موقعیت زمین بود و بخصوص





و... اولین کاری که ایشان پیگیری کرد بحث زمین بود. گفت: زمین ما کم است و باید اراضی را گسترش دهیم. دوباره رفتیم مکاتبات زمان آقای دکتر ذوالنوار را (مربوط به سالهای ۶۷ و ۶۸) از بایگانی بیرون کشیدیم و پیگیری کردیم و نزدیک به ۵ تا ۴ سال مداوم پیگیری شد که در نهایت در سال ۸۶ توانستیم زمین را از سپاه بگیریم اما بابت تاسیسات زیربنایی که سپاه ساخته بودند (یک خط انتقال برق و سوله و زاغه) از طریق آقای مهندس نورپهشت که معاونت عمرانی استانداری بودند یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بابت تاسیسات زمین توسط استانداری پرداخت شد و زمین در تصرف دانشگاه قرار گرفت. بعد از این بدنبال تصویب طرح احداث خوابگاه بودیم. احداث خوابگاه بهاران که در سال ۸۶ در همین اراضی الحاقی کلنگش زده شد. به هر حال ساختمان خوابگاه شروع شد و کار اجرایی هم آغاز شد تا اینکه سال ۸۹ دوره ریاست آقای دکتر سلیمانی تمام شد و باز هم در دوره ریاست دکتر صادقی سراسری، عملیات عمرانی ادامه یافت.

سال ۸۶ همزمان با گرفتن زمین های جناح غربی رودخانه ما با مشکل مشاغل مزاحم (حد فاصل دانشگاه و جاده ی اراک- ملایر) هم روبرو بودیم و راهی هم نداشتیم و برخی زمین ها کشاورزی بودند و می خواستند بفروشند و بلند مرتبه سازی انجام بدهند و برخی مشاغل مانند مکانیکی و تعویض روغنی هم در ورودی دانشگاه بود که خیلی چهره ی نامناسبی داشت و اکنون هم هستند. در سفر اول هیئت دولت زمان آقای دکتر احمدی نژاد، خواسته اول دانشگاه اراک خریداری این زمین ها توسط مسئولان استان و دولت و الحاق به دانشگاه اراک بود. نتیجه این پیگیری های آن زمان، صورت جلسه ای بین سه وزیر (آقای دکتر زاهدی وزیر علوم، آقای مهندس سعیدی کیا وزیر مسکن و شهرسازی، آقای پورمحمدی وزیر کشور) بود که به استناد آن باید استانداری با دادن زمین معوض، این اراضی را آزاد می نمود.

در سال ۸۶ طبق صورت جلسه ای، قرار شد دولت اعتبار مکفی اختصاص و کم کم این اراضی را به دانشگاه اراک واگذار کند و آن شد مبنای پیگیری که ما این اراضی کنار جاده را بگیریم. باز پیگیری های زیادی کردیم زمان آقای دکتر سلیمانی خیلی پیگیری شد اما زمان آقای دکتر صادقی تقریباً کمتر و زمان آقای دکتر حمیدی که ریاست دانشگاه را پذیرفتند در اولویت بود که این زمین ها را بگیریم. زمانی که آقای مهندس مقیمی استاندار اراک شد، صورت جلسه را بردیم و خیلی پیگیری کردیم که این صورت جلسه عملیاتی بشود. نهایتاً کار رسید

به اینکه یک کارگروه تعیین تکلیف اراضی حد فاصله دانشگاه اراک و جاده اراک- ملایر تشکیل شد و از طرف استاندار حکمی برای اعضا زده شد که این پیگیری انجام بشود.

ولی آن صورتجلسه را ما هربار مطرح کردیم همه متولیان امر اعم از شهرداری و استانداری که در اصل نماینده وزارت کشور بودند و حتی خود وزارت مسکن و شهرسازی با این موضوع مخالفت کردند و مهمترین دلیلشان نبود پول خرید زمین بود. آقای دکتر زند وکیلی که آن زمان معاون عمرانی استانداری بود پیشنهاد داد که: هیچ چاره ای نیست مگر اینکه خودتان زمین جابجا کنید. یعنی زمین های آنطرف رودخانه را تغییر کاربری بدهید و طبق کمیسیون ماده ۵، مسکونی کنید و از آنجا زمین بدهید و از اینطرف رودخانه زمین بگیرید تا مشکل حل شود. و این دستور کار آن جلسه شد.

از آن زمان با انتخاب مشاور طرحی برای زمین ۴۴ هکتاری در جناح غرب با مساحت تهیه نمودیم که در این طرح ۱۵ هکتار مسکونی و قابل فروش، ۱۴ هکتار فضای سبز، طراحی شد و به کمیسیون تعیین تکلیف اراضی، ارائه و تصویب شد. حال برای طرح در کمیسیون ماده ۵ که می خواستیم تغییر کاربری بدهیم، سند زمین را خواستند. چون ما برگه واگذاری داشتیم با مراجعه به مسکن و شهرسازی درخواست سند کردیم. مسکن و شهرسازی گفت: چون برگه واگذاری دارید برای تبدیل شدن به سند باید طرح جامع کامل اجرا شود و اتمام بنا هم بیاورید. رفتیم از شهرداری اتمام بنا بگیریم که یکسال طول کشید و یکسری بدهی داشتیم، بدهی ها هم پاس کردیم و ساختمان ها هم برداشت شد و اتمام بنا هم گرفتیم و به مسکن و شهرسازی ارائه دادیم. گفتند: طرح شما هنوز کامل اجرا نشده است معاون وزارت مسکن و رئیس سازمان ملی زمین و مسکن که به اراک آمد و بازدید کرد، گفت: این برگه واگذاری به سند تبدیل نمی شود، چون طرحتان اجرا نشده، ما این طرف رودخانه را که الان هستید به شما می دهیم ولی آن طرف که اجرا نشده را نمی دهیم. با رایزنی و راهنمایی دکتر زند وکیلی، و پیگیری های دکتر حمیدی و دکتر صادقی، دانشگاه از طریق کمیسیون لوایح دولت، در واقع این سیستم را دور زد تا در تاریخ ۹۸/۱۰/۱۰ توانست سند دانشگاه را (۱۴۱ هکتار) بگیرد که کار فوق العاده بزرگی بود، یعنی عملاً ما طبق برگه واگذاری ۱۹۰ هکتار زمین در اختیارمان است ولی طبق سند ۱۴۱ هکتار و آن ۵۰ هکتار هم بخشی در تپه آزمایش و بخشی در خروجی دانشگاه (سمت علوم پزشکی) است، این ها هم به خاطر اینکه در نقشه ثبتی این محل، بخشی از پلاک های دیگر بودند. یعنی ۵۰ هکتار در پلاک های مجاورت هستند که باید مجدد این مسیر طی شود. در آخرین جلسه هم (در سال ۹۹)



کنند. برای بحث آتش نشانی و خدمات رسانی هم در حاشیه ساختمان ها رنگی را تعریف کردیم که درحال احداث است و محل خدمات رسانی به وسایط نقلیه ضروری است.. کتابخانه یکی از بخش های مهمی است که در هر دانشگاهی وجود دارد و به جهت اینکه مرکز پژوهش و آموزش و مطالعه است و خدمات ارزشمندی می دهد،

طبق استاندارد جهانی، باید در محیطی آرام واقع شود و اطراف کتابخانه نباید ماشین تردد کند و یا سروصدا مزاحم باشد، لذا ما در ساخت کتابخانه مرکزی اینها را عملی کردیم و در افق قصد داریم که تنیدگی از شخصیت هایی مثل دکتر قریب که بنیانگذار دانشگاه اراک بوده، در این میدان نصب گردد. و همچنین طرحی داشتیم که تنیدگی افرادی که در اینجا کارکردند و زحماتی کشیدند را دور آب نما به صورت نمادین بگذاریم که ضمن قدردانی بعنوان گوشه فرهنگی برای افرادی که تازه به دانشگاه می آیند زندگی نامه ایشان را مطالعه کنند و به صورت یک موزه رو باز در بیاید. البته هنوز این طرح به صورت جدی پیگیری نشده و اینکه خود مجموعه میدان مرکزی به صورت یک پارک درون دانشگاهی عمل خواهد نمود.

که آقای استاندار جناب آقای مهندس آقازاده تشریف داشتند و جلسه در دانشگاه اراک تشکیل شد، آن طرح هم تصویب شد و الان به کمیسیون ماده ۵ ارجاع شده است در صورتی که تایید شود، هیئتی متشکل از نماینده دانشگاه اراک (که من نماینده دانشگاه هستم)، نماینده شهرداری و نماینده دفتر فنی استانداری، وظیفه ی پیگیری اجرای طرح ها را برعهده دارند. یعنی از قطعات مسکونی زمین ۴۴ هکتاری را با اراضی مجاور جاده، تهاتر و تملک نماییم.

طبق بازنگری دانشگاه اراک درسال ۷۳، دانشگاه به دو بخش تقسیم شده است:

بخش شرقی، که الان در آن هستیم حدوداً ۱۰۷ هکتار است که در آن ساخت و ساز تمام شده و بخش غربی، که پژوهشکده ها و بخش های رفاهی و خوابگاه ها و.. را شامل می شود.

در مجموعه ی جناح شرقی یک میدان مرکزی به مساحت ۲۰ هزار متر مربع معادل ۲ هکتار و برگرفته از مدل طراحی میدان نقش جهان اصفهان است. یک ضلعش شامل مقر حکومتی که همان سازمان مرکزی (هفت طبقه) بعنوان قلب ساختمانها و مدیریت دانشگاه است. روبروی آن یک مقر مذهبی و شامل مسجد است. در جناح شمالی، مقر فرهنگی که سالن آمفی تئاتر و بخش خدماتی که اینجا همان سلف سرویس است و نهایتاً جناح چپ، شامل مجموعه کتابخانه ی اصلی دانشگاه قرار دارد. از حیث ساختار هم با معماری شهر اراک هماهنگ شده است، یعنی آب نماها و باغچه ها و فضا سبز متعددی دارد و اینکه بطورکامل پیاده راه بوده و پارک مانند است و افرادی که وارد این مجموعه می شوند تا از این مجموعه سرویس بگیرند، دسترسی به کتابخانه، مسجد، سلف سرویس وسازمان مرکزی را پیاده طی می





علی حسینی

عضو اسبق مجلس شورای اسلامی

دانش آموخته رشته ریاضی دانشگاه اراک

وی از چهره های شناخته شده ی استان مرکزی است. اشتیاق او در مورد باز تولید خاطرات و آدمهایی که نزدیکش بوده اند شنیدنیهایی پدید آورده تا به نسل و مخاطبین امروز دانشگاه اراک برساند. شنیدنیهای او را با تلخیص از مصاحبه ای طولانی در سال ۱۳۹۹ راجع به فعالیتهای دانشجویی و انقلاب تا جنگ و سمت های اجرایی و تدریس و مجلس و... می خوانیم.

(۱) سالهای انقلاب

مهر ۵۷ رشته ی ریاضی دانشگاه قبول شدم و ثبت نام کردم همسایه دیوار به دیوارمان آقای محمود شیخی بود که دانشجوی دانشگاه اراک بود و الحق و الانصاف هم دانشگاه عالی علوم اراک هم مهد و مرکز جوشش انقلابی بود و لذا تقریباً بلااستثنا روزی نبود که ما از قبل از پیروزی انقلاب و قبل از سال ۵۷ آمد و شدی به دانشگاه اراک نداشتیم، طوری بود که ما دانشجو نشده یک عضوی از انجمن اسلامی دانشجویان بودیم و فعالیت می کردیم. تا اواخر ترم دوم یعنی اسفندماه سال ۵۸ بحثی در جلسات شروع شد و از آن طرف خطباء، سخنرانان و... دائم علیه دانشگاه میزدند که دانشگاه ها اسلامی نیستند و در تمام مملکت هم به اینصورت بود و حجاب اجباری نبود ولی علیه دانشگاه صحبت بیشتر بود که اسلامی نیست و باید اصلاح شود، این زمزمه ها شروع و جدی تر شد تا اینکه تصمیم به انقلاب فرهنگی و یکپارچه سازی گرفته شد.

(۲) سالهای جنگ

در سال ۵۹ و بسته شدن دانشگاه، گفتند این ترم را بگذارید آنهایی که می خواهند بیایند تمام کنند، یک عده ای می آمدند، اساتید هم می آمدند ولی آن ترم هم مثل ترم قبل انقلاب پا نگرفت و تعطیل شد و در آن تعطیلات نهاد ها باید شکل میگرفت، مثل سپاه، جهاد سازندگی، بسیج و بچه ها می رفتند و در این مجموعه ها جذب می شدند. من جلسات حزب جمهوری اسلامی را هر از گاهی می رفتم، آقای موسوی که اهل قم و مدیر کل بهزیستی بودند یک ماه بعد از انقلاب فرهنگی در سال ۵۹ به من گفت که نمی خواهی به زادگاهت خدمت کنی؟ اگر تو حاضر باشی بروی کمیجان من یک دفتر بهزیستی در آنجا دستور می دهم که تشکیل



و ۲۵ واحدی ها تا خرداد ۶۱ درسشان را تمام کردند. و چون دانشگاه تعطیل بود دانشجویان ما که تعدادشان کم بود آمدند تربیت معلم و دانشگاه تهران دروسشان را گذراندند... دوساله آخر جنگ که حساسیت ها بیشتر بود ستاد های جنگ دانشگاهی تشکیل شد که هم جذب نیرو برای اعزام و هم جذب کمک را انجام دهد. دانشگاه اراک هم داشت و من هم در آن مجموعه فعال بودم، و همه باهم کار میکردند که خیلی ریاست و کیاست و.. وجود نداشت و جهادی کار میکردیم... دوتا اعزام بزرگ و رسمی داشتیم. بعد از گروه اعزام وقتی برگشتند من رفتم و در عملیات مرصاد بودم و این اواخر به جنوب هم رفتم.

(۳) سالهای علم

تا سال ۶۷ قبل از پایان جنگ مسئول جهاد کسانی چون مرحوم خسرو زمانی بودند. از سال ۶۸ تا ۷۸ جهاد بودم از سال ۷۰ رئیس جهاد بودم. از سال ۷۶ که آقای خاتمی رئیس جمهور و دکتر معین وزیر علوم شد من که فرمانداری رفتم دیگه از دانشگاه جدا شدم و اواخر سال ۷۸ فرماندار اراک شدم. سال ۷۶ در حالی که رئیس جهاد بودم آقای دکتر اصلانی رئیس دانشگاه شد من هم آن روز تهران بودم خب ما تلاش زیادی کردیم که ایشان و همینطور تیم های بعدی به مرور بیایند ولی این تلاش بخاطر دانشگاه بود یعنی موضوع مسئولیت خواهی نبود. من که تهران بودم قبل از اینکه

بشود. قبول کردم و رفتم به کمیجان و دفتر بهزیستی را در بخشداری تاسیس کردیم و شروع کردیم به شناسایی محرومین و بعد خواستم برگردم اراک چون جهاد سازندگی تشکیل شده بود و در واقع عضوی از آنجا بودم و باید می آمدم به جهاد. چون به دوستانم قول داده بودم. آن زمان بعد از دکتر قاسمی، آقای دکتر فروزانفر هم رفته بود آقای مهندس ناظمی رییس یا سرپرست مدرسه عالی علوم اراک شده بود که در این زمان من به جهاد دانشگاهی برگشتم و ایشان به نوعی رئیس جهاد هم بودند... ما چون در تربیت معلم بودیم جهاد در تربیت معلم تاسیس شده بود و به نمایندگی از آن شورا، شورای ۳ نفره ای هم در اراک داشتند... تاسیس جهاد در ۱۶ مرداد ۵۹ بود. تا بخواهد به واحد های دانشگاهی تشکیل بشود ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل شد و بعد که جهاد دانشگاهی در آنجا به وجود آمد و ۴،۵ ماه طول کشید که این دفاتر اصلی دانشگاه ها تشکیل شد. مهر یا آبان ۱۳۶۰ ترم تحصیلی شروع شده بود و دو تا از ۲۵ واحدی ها یکی دکتر علی محمدی از رشته ریاضی و دیگری دکتر اردوخوانی آمدند و شبانه ما به دیدن این ها رفتیم و گپی زدیم و خانم اشرف جواهری از همان ۲۵ واحدی ها بودند که درسشان را آن موقع تمام کرد. در کتابخانه انجمن اسلامی در دوره قبل از انقلاب فرهنگی ایشان و خانم اعظم بادکوبه ای و محمد ابراهیم پوپنده، خانم صمدی شیفت روز های کتابخانه ی انجمن را اداره می کردند.





موفق ترین فرماندار این شهر میشی این تشخیص منه . ۹۰ روز بعد حکم مرا آورد و برد معارفه کرد به عنوان فرماندار اراک . من خیلی چیز ها رو در فرمانداری تغییر دادم مثلاً نامه ها که خطاب به مدیران بود را ضمن دستوری بودن، خواهشی هم کردم چون قبلش کسی انجام نمیداد! گفتم بابا جان این آقا را مدیر کل وزیر جهاد گذاشته اون آقا را مدیر کل وزیر صنایع گذاشته، اینها کمتر از ما نیستند مگه ما رنگ خونمان غلیظ تره که وزارت کشور هستیم؟ ما فقط مسئولیتان سنگین تره این «خواهشمند است» بیشتر کار انجام میده. این اقدام انقلابی کرد اصلاً در پیشرفت کار مردم یعنی مدیران وقتی تلفن من زنگ می خورد عین پروانه دودقیقه ای آماده بودند. در مسیر خیلی کارها با مردم همینجوری هر روز هر شب توی مساجد، ملاقات های مردمی فرمانداری رفتن به روستاها سرکشی مردم را هم جذب کرده بودم. سال ۷۹ انتخابات مجلس برگزار شد که من خودم انتخابات مجلس ششم را برگزار کردم ولی آمدند و در انتخابات بسیار سالم و درست، مقداری شورای نگهبان دستکاری کرد جابه جا کرد. منم واقعا برنمیافتم این وضعیت را والله سالم بود انتخابات من. کاری به شخصی ندارم که انتخاب شده بود. ما مسئول اجرایی بودیم و باید رای مردم را اعلام می کردیم. پس برایمان فرقی نمی کرد که دکتر کارگشا باشد یا دکتر مرادی. خلاصه من استعفا دادم. استاندار نمی پذیرفت ولی من به بهانه ی بورس و درس خواندنم استعفا دادم و... در دوران فرمانداری من، رهبر معظم انقلاب سفر داشت به اراک. من شوراهای کمیجان، خنداب، میلajرد، ساروق را صدا کردم گفتم کارهای تقسیماتی و اینها با ماست. حتی متن های خیر مقدم هایی که شورا ها باید به نمایندگان رهبری میگفتند من برایشان نوشتم. گاز خنداب و میلajرد و آن روستا ها در برنامه نبود گاز رسانی از مصاحبه ی ما آمد توی برنامه و انجام دادیم. ورود به مجلس درواقع این بود که ما در قدرت باشیم تا کسری هایمان

بیایم اراک ایشان حکم معاونت دانشجویی را برای من زده بود و توزیع کرده بود که من رسیدم. آن زمان معاونت دانشجویی و فرهنگی و آموزشی و پژوهشی باهم بودند. قبل تر هم پشتیبانی و دانشجویی باهم بودند. به اعتقاد آقای خاتمی دانشگاه ها هم دچار رویکرد ساختاری بودند یعنی به شکل چارتی باید تغییر می کردند... جذب دانشجو بیشتر می شد و پست ها و باکس ها و ردیف های جدیدی برای استخدام در حال تغییر بود. دکتر معین در همان فاصله دعوت شده بود اراک. آقای مهندس صورتگر به من گفت که زمینی است محدوده ی مرزگران دانشکده کشاورزی فعلی. با مرحوم دکتر احتشام زاده جلسات زیادی در اراک بین نمایندگان ما استاندار ایشان یا نماینده ایشان برگزار شد ایشان میگفت من وقف نمیکنم ولی به قیمت کارشناسی میفروشم. بعد ما دنبال پول بودیم از آن طرف سفر آقای خاتمی به اراک بود از این طرف هم آقای دکتر اصلانی مدیر مرکز جوانان استانداری بود و آقای دکتر مختاری رئیس دانشگاه شده بودند. یک جوری هماهنگ کردیم که رئیس دانشگاه اراک در جلسه نخبگان این تقاضا را داد و آقای خاتمی هم همانجا گفتند که این پول را تقدیم میکنند.

۴) سمت سیاسی

آقای عبدالوهاب یک روز بمن گفت فلانی تو بیا فرماندار اراک شو. من گفتم: نه من چرا فرماندار بشم دوباره هفته ی بعد گفت و چند بار درخواست کرد این فاصله دوماه شد هنوز فرمانداری معرفی نکرده بودند و سرپرست آقای کیانی بود. ما در جلسه ای آمدم وزارت کشور برای شهرستان شدن کمیجان واقعیتش اینقد تحقیر شدیم دیدیم هیچ خبری نیست من از این جلسه بیرون آمدم متوجه شدم تا در قدرت نباشی آب نمی دن بخوری! از همانجا برگشتم اراک ولی میدانستم که حدود ۲۰ روزی بود یکی از دوستان من که در مرکز مدیریت دولتی در مقطع ارشد دانشجوی من بود آقای اسدی فرماندار تفرش بود آقای عبدالوهاب معرفی کرده برای اراک. گفتم که توکل بر خدا من میرم دلجویی می کنم از استاندار که دلخور نباشه از من . برگشتم اراک رفتم دفتر استاندار و پس از کلی گپ و گفت، سمت فرمانداری را قبول کردم. گفت شما تنها عنصری هستی که تمام مدیران استان باهات رفیقن و می جوشن تو



استفاده میکردند من وقتی معاون شدم آبان سال ۹۰ بود دیدم که بدهی دانشگاه از حقوق کل پرسنل بیشتر است. به حمدلله نیت کردیم و شروع کردیم و خدا و دیگر دوستان کمک کردند ولی واقعا فکر و حرکت اینجا از من بود تا مرداد سال ۹۹ من در منصب معاونت دانشگاه علم و فرهنگ بودم الان نیستم این دانشگاه را از ۲۲ رشته به حدود ۳۰ رشته و ارشد به حدود ۵۰ رشته و از دکتری نداشتن به ۶ تا دکتری آموزشی و پژوهشی و ساختمانش از ۷۰۰۰ متر به ۴۰ هزار متر رسید.

حس من هنوز به اراک و توابع آن همان حس قبل است و برایشان آرزوهای خوب دارم. من الان دیگه طرفدار تیم آلومینیوم هستم! الان هم کلی از مردم روستاها با من تماس می گیرند مشکلاتشان را مطرح میکنند. عید نوروز که چند روزی کمیجان پیش پدرم هستم لاقلا ۱۰۰۰ نفر مراجعه کننده غریبه دارم غیر از کمیجان. حتی مدیران اراک. اینها فرصت هاست که خدا در اختیار آدم میگذارد که محک بزند که چه کردی. خدا را شکر میکنم وقتی برمی گردم پشت سرم را نگاه می کنم راضی هستم همه ظرفیتم را به کار گرفتم ... توصیه می کنم مسئولان دانشگاه، همیشه به توسعه کمی و کیفی مجموعه فکر بکنند و وابسته نباشند دلبسته باشند به مجموعه و اینها یادگار های خویشت که برای آینده می ماند من حس میکنم که هروقت بیایم دانشگاه اراک بگم من یک روزی اینجا مسئول بودم یک روزی اینجا درس خواندم یک روزی درس دادم روم می شود بروم جهاد بگویم من یک روزی رئیس اینجا بودم در دوران عزلت جهاد دانشگاهی من ساختمان پشت مسجد حاج آقا صابر را ساختم اصلا هرجا میرم ساختمان سازی باید انجام بگیرد و نیاز است.



را جبران کنیم. اگر من مجلس نبودم دانشگاه اراک این ردیف ها را نداشت این توسعه را نداشت، دانشگاه علوم پزشکی این امکان را نداشت، حتی دانشگاه آزاد این امکان را نداشت و حکم جلب دکتر نوابخش را بخاطر آن شهرک دانشگاهی گرفته بودند. من نگذاشتم. اگر من نبودم بیمارستان امیرالمومنین هم نبود. اگر من نماینده نبودم در میلاجرد و خنداب و کمیجان دانشگاه آزاد و پیام نور نبود، آن گازرسانی ها به آن فوریت آن موقع انجام نمی شد. ولی مراد این است که باید یک عنصر دلسوز وابسته باشد ۱۲۳ هزار کیلومتر اتوموبیل من در یکسال راه میرفت. ۴ تا تاکسی اینقدر راه نمیرود. من تمام روستاهای اراک را ۳ بار ۵ بار ۷ بار رفتم ۷۰۰ تا روستا است فکر نکنید ۱۰ تا و ۲۰ تاهست. این بود که آمدیم اینجا و بعد از نمایندگی هم که اول مرا رد صلاحیت کردند برای مجلس هفتم شب انتخابات تایید کردند... دوست نداشتند من نماینده باشم به جهت سیاسی.

هر لایحه ای را دولت باید پیشنهاد بدهد و مجلس باید تصویب بکند. در زمانی که لوايح بودجه آن سال هایی که ما مجلس بودیم مطرح بود دکتر مختاری و بعدترش دکتر سلیمانی که رییس دانشگاه بودند پیشنهادشان را به وزارت علوم می دادند مثلا ساخت دانشکده فنی مهندسی. این پیشنهاد را باهم با معاون پشتیبانی وقت که مرحوم زمانی بود می بردیم سازمان مدیریت و آنها را مجاب می کردیم که بگذرند در مجلس مطرح کنیم. منم که توی کمیسیون آموزش تحقیقات بودم کمک می کردیم تصویب می شد.

بعد هم که برگشتم جهاد و دفتر مرکزی ۱۰ ماه بعد رفتم دکتری را خواندم سال ۸۴ رفتم خارج و سال ۸۸ برای ۶ ماه برگشتم دوماهی رفتم پایان نامه را دفاع کردم و سال ۸۹ ایران بودم آمدم جهاد و دانشگاه علم و فرهنگ. من روزی که برگشتم اینجا یک ماه بعد دکتر ایمانی رئیس دانشگاه شد و ۵ ماه بعد با اصرار مرا معاون کرد. این دانشگاه آن موقع ۲۲ تا رشته در کارشناسی داشت ۶۰۵ تا رشته هم در کارشناسی ارشد. حدود ۷۰۰۰ متر هم بنای فیزیکی داشت. اساتید اتاق نداشتند مثلا در یک کلاس ۶ تا ۷ تا میز گذاشته بودند. دانشگاه غیر دولتی وابسته به جهاد است. بعضی قسمت های اداری اتاق نداشت مثلا یک پارتیشن می بستن ۳ ماه تعطیلات تابستان



علی متقیان

مدیر خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا

دانش آموخته رشته ادبیات فارسی دانشگاه اراک

سال ۵۷ تا ۶۵

متولد ۱۳۳۷ محله تقریباً فقیرنشین قم هستم و در قم تحصیل کردم. در دوران دبیرستان در چاپخانه کار می کردم و مجله مکتب اسلام جزو آثار من است.

شهریور سال ۱۳۵۷ تهران بودم که مدرسه عالی علوم اعلام کرد ثبت نام دارد و... در دانشگاه اراک رشته ادبیات و زبان فارسی قبول شدم که به محض ورود به دانشگاه اراک، جذب انجمن اسلامی شدیم، دانشگاه هفتمین سال پس از تأسیسش بود و ابتدا اسمش مرجان بود، سپس مدرسه عالی علوم اراک و تربیت معلم، تربیت معلم وظيفش تربیت و آموزش معلمین بود. و ما ثبت نام کردیم و انقلاب هم درحال اوج گیری بود. مهرماه کلاس ها باز شد تظاهراتی هم انجام دادیم و از بهمن ماه کلاس ها رسماً تعطیل شد. بچه های انجمن اسلامی خوبی داشتیم از جمله سالار عقیل افشار، عباس حامدی و... که ما هم به این گروه پیوستیم. دانشگاه علوم اراک در انقلاب، نقش اساسی داشت یعنی محور انقلاب در اراک، مدرسه عالی علوم بود و مردم اراک هم احترام خاصی قائل بودند و یک پایگاه انقلابی مهم بود. انقلاب از مدرسه علوم سرچشمه گرفت. تا در سال ۵۷ پیروزی انقلاب شد و از اسفند دوباره به دانشگاه رفتیم و ترم دوم را شروع کردیم. باز هم دانشگاه مرکز انقلاب و تحولات بود و مرتب بعدازظهر ها به بهانه های مختلف مراسم داشتیم و در قسمت های مختلف دانشجویها هم گروه های مختلف شدند. دانشگاه بعد از انقلاب فضای فکری بازتری یافت و هر اتاقی به گروهی اختصاص داشت. کم کم انجمن اسلامی بزرگتر شد و امکانات بیشتری گرفت، ما ۴ اتاق داشتیم و بقیه یک اتاق داشتند. کلاس ها شروع شد اما درس خواندن هنوز برایمان جدی نبود. سال اول انقلاب، جو روشن فکری مختلفی شروع شده بود. ترم ۵۷، ۵۸ تمام شد و امتحان دادیم و روزبروز حضور گروهک ها بیشتر می شد. سال ۵۸ فضای سیاسی دانشگاهها توسط گروه های مختلف بود و انجمن اسلامی هم در کنارش فعالیت می کرد و نفوذ داشت.

ترم دوم سال ۵۸ که شروع شد اختلاف ها در کشور بالا گرفت و گروه های تجزیه طلب در همه جا بودند و در خود دانشگاه هم فعال بودند. بطوریکه هر دانشجو یک فکر سیاسی برای خودش داشت. سال ۵۸ بحث های سیاسی به کلاس ها کشیده شد و کلاس ها شور و حال



افتاد که تصمیم گرفتند دانشگاه را تعطیل کنند. در بهمن سال ۵۸ من عضو انجمن اسلامی شدم و بعد به عنوان نماینده مدرسه عالی علوم اراک، انجمن اسلامی معرفی شدم به دفتر تحکیم وحدت و در تهران در جلسات شرکت می کردم و ارتباط دفتر تهران با اراک را فراهم می کردم. در آذر ماه سال ۵۸ بسیج شروع به فعالیت کرد. در اردیبهشت ماه سال ۵۹ عملاً اعلام کردند که دانشگاه باید تعطیل بشود. دانشگاه اراکی که همیشه پر از جمعیت بود الان هیچ کس را راه نمی دادند. روز دوم برای ورود بعضی کارت صادر کردند. ما خانه ای اجاره ای در خیابان طالقانی، کوچه آبشار داشتیم که ۴ تا اتاق بزرگ داشت و آنجا شد محل ستاد تعطیلی دانشگاه. و از آنجا فرماندهی تعطیلی دانشگاه را انجام می دادیم و امکاناتی از جمله دستگاه کپی و تکثیر و... را داشتیم و هرچیزی که در انجمن داشتیم و نیازمان بود را به آنجا انتقال دادیم.

انقلاب فرهنگی در اراک، انقلاب فرهنگی فعالی بود و اردیبهشت ماه دانشگاه تعطیل شد و بعد از انقلاب عملاً دو ترم درس خواندیم. دانشگاه اراک پنجشنبه و جمعه فعال بود و بخاطر همین مردم بیشتری شرکت می کردند.

۱۶ مرداد سال ۵۹ جهاد دانشگاهی شروع به فعالیت کرد که جهاد

سیاسی پیدا کرد. این در حالی بود که هنوز حجاب، اجباری نشده بود، و فضای سیاسی نسبت به ۵۷ به مراتب بازتر بود.

با فتح لانه جاسوسی در ۱۳ آبان عملاً فضای سیاسی بیشتری به دانشگاه راه پیدا کرد. یک عده طرفدار امام و انجمن اسلامی ها توانستند قدرت بیشتری بدست بیاورند. هم با حکومت نزدیک تر بودند و هم با دستورات و افتخارات. راهپیمایی های بعد ازظهر همچنان ادامه داشت و معمولاً به هر بهانه ای که راهپیمایی می شد در دانشگاه مراسمی داشتیم و مردم هم شرکت می کردند. و کارهای فرهنگی مختلفی انجام می دادیم از جمله پخش فیلم محمد رسول الله که آقای طهماسبی ترجمه می کرد. سال ۵۸ دانشگاهیان همیشه و به هر بهانه ای دنبال کار سیاسی بودند، عید سال ۵۹ حضرت امام بیانه داد که یک تحول اساسی در دانشگاه باید ایجاد شود. پیرو این موضوع، در ترم دوم دانشگاهها، بحث سیاسی جدیدی شروع شد و مناطق مختلف از ترکمن چای گرفته تا آمل تا خوزستان، تبریز و اطراف کشور سرو صدا بود و امنیت کشور در خطر بود و دانشگاهی ها می رفتند آنجا فعالیت می کردند و چیزی که آن موقع در دانشگاه ها نبود درس بود و دانشگاه اراک کاملاً یک مرکز سیاسی بود که رفت و آمد هم آزاد بود... نهایتاً اتفاقاتی





سال ۶۵ برای خدمت سربازی در جهاد امریه گرفتم و سال ۶۷ در دانشگاه تهران رشته تاریخ تمدن اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد قبول شدم. سال ۷۰ مدرک ارشد را گرفتم و در جهاد دانشگاهی مسئول حوزه ریاست شدم و سال ۷۰ تا ۷۲ مدرسه عالی جهاد دانشگاه افتتاح شد و هیئت علمی آنجا شدم و در آنجا درس عمومی درس می دادم و هنوز هم تدریس می کنم. سال ۷۸ دکتری بورس گرفتم تا اینکه سال ۸۷ به دفتر معاونت فرهنگی ریاست جمهوری رفتم و مشاور رئیس جمهور و همچنین مسئول روابط عمومی معاونت علمی ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان بودم و بعد از ۲ سال و نیم در سال ۸۹ به عنوان مدیرعامل خبرنگاری ایسنا بودم. تا عید سال ۹۰ که تغییراتی اعمال شد و آقای خلیلی رو عزل کردند و آقای یادگاری را جای ایشان آمدند و من نتوانستم با ایشان کار کنم و در سال ۸۹ از ایسنا خارج شدم. تا اینکه مقام معظم رهبری حکم تشکیلاتی راه انداخت با عنوان مرکز علوم اسلامی پیشرفته و من مامور این مرکز شدم و در اینجا یک الگوی ۵۰ ساله برای نظام جمهوری شروع به نوشتن کردیم که من هنوز همکاری می کنم و سال ۹۳ مجدد در خبرگزاری کار می کنم. و در مجموع ۴۱ سال هست با جهاد دانشگاهی همکاری میکنم.

دانشگاهی عملاً مدیریت دانشگاه را برعهده گرفت. من بعد از انقلاب فرهنگی به اراک برگشتم. وقتی به عنوان نماینده مردم اراک آمدم تهران و به اراک برگشتم در دانشگاه تربیت معلم شروع به درس خواندن کردم تا سال ۵۹ که جهاد دانشگاهی فعالیتش را شروع کرد وارد جهاد دانشگاهی شدم و جزو نفرات اولی بودم که به جهاد دانشگاهی پیوستم. دانشگاه ها تعطیل بود و جهاد ماموریت پیدا کرد که مدیریت دانشگاه ها را بگیرد ما بعد از اینکه جهاد دانشگاهی سال ۵۹ شروع شد هر دانشگاهی با ۳ نفر عضو اصلی شروع می شد، یک استاد، یک کارمند و یک دانشجو که شورای سه نفره در جهاد دانشگاهی بودند. استاد نقش رئیس دانشگاه را داشت و این ۳ نفر هم نقش شورای دانشگاه را که دانشگاه را اداره می کردند. سال ۶۳ دانشگاه باز شد و من سال ۶۳ و ۶۴ در دانشگاه درس خواندم تا لیسانسم را بهار سال ۶۵ گرفتم در جهاد دانشگاهی و آموزش کار می کردم و مسئولیت داشتم و بعد مامور شدم به ستاد انقلاب فرهنگی برای راه اندازی کلاس های معارف اسلامی با دکتر احمدی کار می کردم، کار ما این بود که همه به کمک ایشان همه دانشگاه ها که باز شده بود استاد معارف اسلامی و تاریخ اسلام را برایشان می فرستادیم.

من در انقلاب فرهنگی در سالهای ۶۲ تا ۶۵ هم کمک می کردم و بعد نمایندگی آیت الله منتظری را راه انداختیم و با آنها کار می کردیم.



روزیه معین

دانش آموخته رشته مهندسی شیمی دانشگاه اراک

نویسنده: کتاب قهوه سرد آقای نویسنده پرفروش ترین کتاب رمان ده سال اخیر



قبل از دوران دانشگاه به نویسندگی علاقه داشتم

یادمه اولین روزی که وارد دانشگاه شدم اولین جایی که رفتم کانون های فرهنگی از جمله کانون تئاتر بود و اون فضا رو بسیار دوست داشتم و جای مناسبی بود از جهت اینکه از لحاظ هنری خودم رو تخلیه کنم. اولین کار تئاتری که شروع کردم کاری بود به نام "ارتفاع" و بعد شروع کردم به نوشتن. در سال ۹۱ نمایشنامه ای که نوشتم برای جشنواره تئاتر دانشجویی که به عنوان نمایش نامه برتر کشور انتخاب شد. این اولین کار جدی نمایشنامه من بوده، بعد از اون ۴، ۵ تا نمایشنامه نوشتم که یکی چاپ شد یکی دوتا اجرا شد بقیه هم مجوز نگرفت.

کتاب قهوه سرد آقای نویسنده پرفروش ترین کتاب رمان ده سال اخیر شد و الان چاپ ۸۸ هست به دو زبان ترکی و کردی ترجمه شده است و برای ترجمه به زبان انگلیسی، روسی و عربی در حال بستن قرارداد هستم.

سال ۹۲۹۳ ایده این کتاب به ذهنم رسید که درموردش کار کنم و نوشتن کتاب قهوه سرد آقای نویسنده ۲۳ سالی طول کشید.

خلاصه زندگی من از سال ۹۳ یعنی دانش آموختگی تا الان...

یک کلمه ای هست به نام بازگشتن که ما این کلمه را در داستان داریم که در هر داستانی یک بازگشت هست، یک تعادلی بهم می خورد و تو می خواهی آن تعادل را برگردانی و همه ما تو زندگی این بازگشت را داریم که برگردیم به آن تعادل و گاهی آن تعادل را به طور چشمی ندیدیم و داخل ذهن ما هست، به خاطر اینکه چیزهایی که دوست داریم بهش برسیم و چون بهش نرسیدیم تعادل نداریم، انگار قبلا این موفقیت را در زندگی درک کردیم، من همیشه بازگشتن رو دارم احساس میکنم یکجایی بوده که بهش رسیدم و حالا از آن پایینم و باید تلاش کنم تا برسم به آن تعادل در این چندسال هم به همین شکل بوده، یک سری سال ها، سال های خوب و پر از موفقیت بوده و یک سری سالها،

سال هایی بوده که پایین امده بودم و بعدش تلاش کردم که به اون نقطه اوج برسم.

این کمبود اگر در وجود ادم باشد باعث میشه که برای آن تلاش کند، و اگر این کمبود در وجود آدم نباشد و اینطور فکر کند که تمام و رسیدم به آنجا و دیگر چیزی نیست آن موقع هست که سقوط می کند ولی اگر همیشه فکر کند که هنوز به نقطه اوج نرسیده تلاش می کند در زندگی و همیشه در زندگیم اون بازگشت را دارم.

با اینکه این کتاب پرفروش ترین کتاب رمان قرن اخیر ایران شد، شاید در چند سال آینده پر فروش ترین کتاب رمان کل ۱۰۰ سال بشود ولی این چیزی نبود که همیشه به چشم من بیاید چیزی که مد نظرم هست این است که بتوانم ادبیات و داستان مدرن ایران را به کشورها و زبان های دیگر ببرم و این چیزی است که مدنظر من هست و برای کتاب بعدی که حدود ۵،۶ سال هست مشغول به نوشتن آن هستم و جلد اولش حدود ۷۰۰ صفحه هست و یک داستان به شدت مدنی دارد و در پی آن هستم که این داستان همزمان که در ایران چاپ می شود در کشور های دیگر هم چاپ شود و نگاهم بیشتر به کشورهای دیگر هست تا ایران، شاید به اون چیزی که میخواستم تو ایران رسیدم و چیزی که مدنظرم هست کتاب بعدی رو یا همین کتاب قهوه سرد آقای نویسنده را در کشور های دیگر موفق کنم و معرفی خوبی از ادبیات داستانی، ایرانی شود و گاها می تواند مدرن باشد نیاز نیست همیشه سنتی و کلاسیک باشد، این چیزی هست که میخوام و دارم برای آن تلاش میکنم.

این کتاب در یک جمله...

وقتی فکر می کنید به پایان داستان رسیدید تازه داستان شروع میشه...

دانشگاه اراک در گذر زمان



دانشگاه اراک در گذر زمان



دانشگاه اراک در گذر زمان



تجمع بایانی راهپیمایی در مدرسه عالی علوم اراک آبان ۵۷

عکاس: محمدحسین جمالزاده



دانشگاه اراک در گذر زمان



دانشگاه اراک در گذر زمان



دانشگاه اراک در گذر زمان

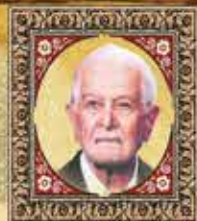


دانشگاه اراک در گذر زمان





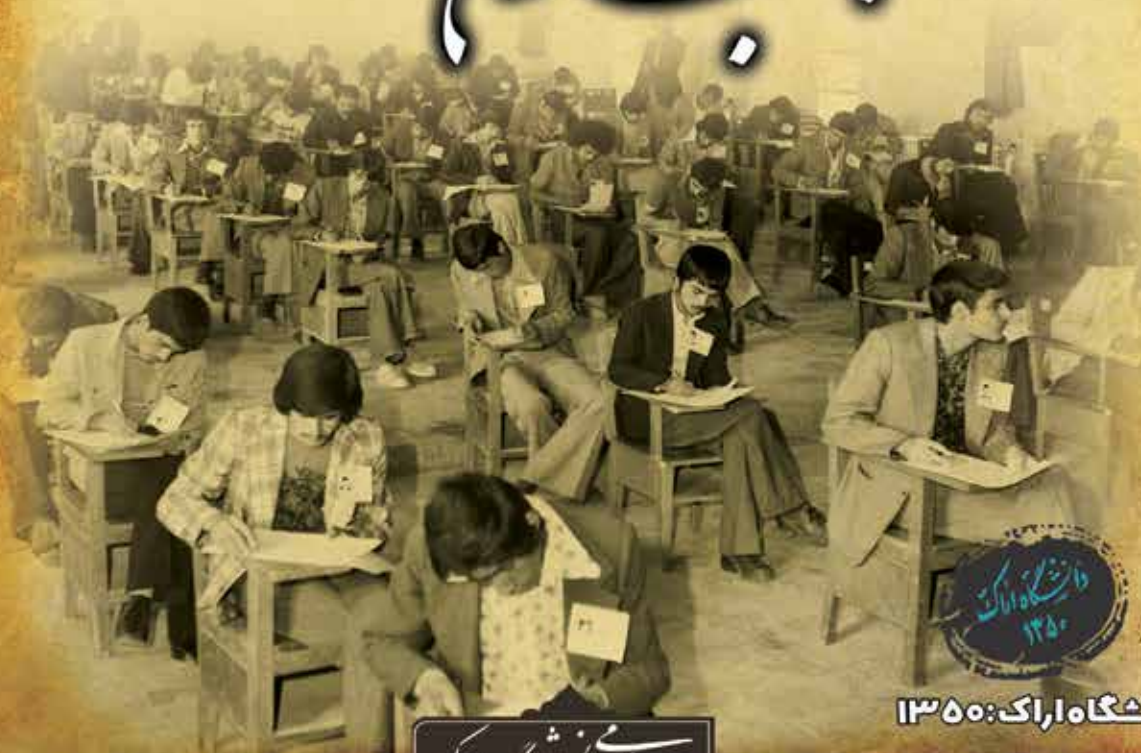
این ساختمان در سال هزار و سیصد و پنجاه و یک خورشیدی ساخته شد



دانشگاه اراک

پنجاهمین سالگرد
تأسیس

The 50th Anniversary
of the Establishment of
Arak University



دانشگاه اراک: ۱۳۵۰

روابط عمومی دانشگاه اراک